

**دکتر سید مرتضی موسوی جاجرمی**

استادیار گروه معارف

دانشگاه علوم پزشکی بجنورد

mr\_mousavi2000@yahoo.com

## **نقش فقها و متکلمین قرن چهارم هجری در گسترش تشیع**

### **چکیده:**

قرن چهارم هجری، به علت ظهور فقها و متکلمین بزرگ شیعی و نیز روی کار آمدن دولتهای شیعی چند و هم کاهش اقتدار خلافت عباسی - بزرگترین حامی جهان تسنن - یکی از ادوار درخشان و مشعشع تاریخ تشیع به شمار می‌رود. قبل از این عصر، مذهب تسنن، بر جهان اسلام غلبت داشت. اما در قرن چهارم با پیدایش دولتهای شیعی: آل بویه، مصر، حمدانیان زیدیه یمن، علویان طبرستان و .. جریان به سود مذهب تشیع ورق خورد که بر اثر آن نفوذ شیعه در همه جا فراگیر گردید.

پیدایش دولتهای شیعی و نیز تلاش و کوشش بی‌وقفه علماء شیعی، دو عامل مهم و اساسی در گسترش و توسعه تشیع در این برهه از زمان به شمار می‌رود. فعالیت‌های فقها و متکلمین شیعه به اشکال مختلف به صورت: جمع‌آوری احادیث، تربیت شاگردان، تدوین فقه و کلام، مبارزه با بدعت‌ها و انحرافات فکری، تأسیس حوزه‌ها و مراکز علمی، بهره‌برداری از امکانات دولتی، تأسیس مساجد و برگزاری مراسم شیعی. .. خود نمایی نمود. نظر به اهمیت این موضوع، پژوهش حاضر بر آن است تا نقش و جایگاه متکلمین و فقها را در این رابطه، مورد بررسی و مطالعه قرار دهد.

### **کلید واژه‌ها:**

قرن چهارم، گسترش تشیع، دولتهای شیعی، فقها و متکلمین، دین و دولت، میراث

شیعه

### علمای قرن چهارم ه. ق:

قرن چهارم هجری از حیث ظهور فقها و متکلمین برجسته و کثرت تعداد آنها، یکی از ادوار مهم تاریخ تشیع به شمار می‌رود. تلاش و کوشش ائمه معصومین علیهم السلام در تربیت شاگردان و تفسیر و تبیین دستورات اسلام و تحکیم اصول و مبانی مکتب اهل البیت علیهم السلام، توسط ایشان آینده جامعه تشیع را تضمین نمود. برخی از علماء قرن چهارم از شاگردان بلافصل ائمه علیهم السلام بودند و گروه دیگر، شاگردان اساتیدی بودند که خود محضران بزرگواران را درک کرده بودند. این مسئله در کنار بستر مناسبی که از نظر سیاسی - فرهنگی با روی کارآمدن دولت های شیعه مذهب سده چهارم - مخصوصاً آل بویه - برای شیعیان فراهم گردید، سبب شد تا شیعه یکی از درخشان ترین ادوار حیات خویش را درک کند. در اینجا قبل از پرداختن به نقش علماء مزبور در گسترش تشیع به برخی از معروفترین آنها اشاره می‌گردد.

**شیخ مفید:** ابو عبدالله، محمد بن محمد بن نعمان حارثی عکبری بغدادی معروف به شیخ مفید، در سال 336 یا 338 ه. ق در یکی از قراء بغداد به دنیا آمد. پدرش وی را به بغداد آورد. شیخ مفید در محضر علماء عصر خود به تعلیم پرداخت و از گروهی متجاوز از پنجاه استاد، اعم از شیعه و غیرشیعه تلمذ کرد. شخصیت مفید از همان اوان تلمذ و شاگردی خودنمایی کرد تا جایی که استادان بزرگ او به شگفت افتادند و او را به لقب «مفید» ملقب کردند.<sup>1</sup>

شیخ مفید با عظمت و جلالت قدری که داشت از تعرضات و انتقادات و بدگویی‌های مخالفین مصون نماند و با آنکه بغداد در آن روزگار در زیر فرمان خاندان شیعی مذهب آل بویه بود، شیخ دوبار، به علل آشوب های مذهبی بین شیعیان و سنیان از بغداد تبعید شد.<sup>2</sup> شیخ مفید در سال 413 ه. ق در گذشت در حالی که در روز تشییع جنازه او هشتاد هزار نفر شرکت کرده، نماز گزار شدند.<sup>3</sup>

او را نخستین مجدد اصول مذهب شمرده‌اند که، مسائل مذهبی را در پرتو فکر و تحقیق، بررسی کرد و آراء او را نماینده آراء و عقاید شیعه دانسته‌اند. تا پیش از ایشان،

سنت اخباری‌گری بر جامعه تشیع حاکم بود اما وی باب اجتهاد را براساس موازین عقلی و کلامی در کنار اخبار و احادیث، در مراکز فکری شیعه مفتوح کرد.

تألیفات شیخ مفید را تا حدود 200 اثر نوشته‌اند که مشتمل بر مسائل متنوع، مخصوصاً مسائلی کلامی و نقد و بررسی عقاید دیگران، می‌باشد. این امر بیانگر آن است که دشمنان شیعه با سلاح فکری به مبارزه آمده بودند و او خود را موظف به مقابله با آن افکار انحرافی می‌دانست.

متأسفانه حوادث زمان، بسیاری از آثار وی را از میان برده، تنها مقدار کمی به جای گذاشته است. برخی از آنان عبارتند از: کتاب الارشاد، رد علی الجاحظ و العثمانیه، کتاب النقض فضیله المعتزله، کتاب النقض علی ابن عباد (در امامت و اصول الفقه)، مصابیح النور، الرساله مقنعه، الکامل فی الدین، حدوث القرآن، العهد فی الامامه...<sup>4</sup>

**شیخ صدوق:** ابوجعفر محمد بن علی بن حسین ابن موسی بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق محدث، فقیه و متکلم مشهور شیعه می‌باشد که خدمت زیادی در ترویج مکتب اهل بیت علیهم السلام نمود. نجاشی درباره او می‌گوید، وی از شیوخ و فقهای ما در خراسان بود که در سال 355 وارد بغداد شد. در هنگام جوانی بزرگان طایفه از او حدیث شنیده و فرا می‌گرفتند. وی کتب بسیاری تألیف کرده، از آن جمله: کتاب التوحید، کتاب النبوه، کتاب علامات آخر الزمان، کتاب اعتقادات، کمال الدین و اتمام النعمه، کتاب صفات الشیعه، کتاب فضل الشیعه و غیره.<sup>5</sup>

**ابوالجیش البلخی، المظفر بن محمد احمد خراسانی:** طبق گفته نجاشی وی از شاگردان ابی سهل اسماعیل بن علی نوبختی بود که در سال 367 هـ فوت کرده است.<sup>6</sup> برخی از آثار وی عبارتند از: کتاب المثالب، کتاب نقض ماوردی من مناقب الرجال، کتاب نقض العثمانیه للجاحظ، کتاب الامامه، کتاب حضال الکمال.

**الناشی الاصغر (الصغیر) ابوالحسین علی بن عبدالله بن وصیف (271-365 هـ ق):** ابوالحسن علی بن عبدالله بن وصیف از شاعران محب اهل بیت علیهم السلام بود و در این باره قصاید کثیری دارد. او متکلمی زبردست بود و دارای تصانیف فراوان می‌باشد.<sup>7</sup> ابن

کثیر می‌گوید وی متکلمی بارع و از بزرگان شیعه و از متکلمین قرن چهارم بود<sup>8</sup> نجاشی تصریح می‌کند که وی کتابی در موضوع امامت دارد.<sup>9</sup>

**صاحب بن عباد:** ابوالقاسم اسماعیل بن ابی الحسن عباد بن عباس بن عباد احمد بن ادريس طالقانی از دانشمندان، شعراء و متکلمان بزرگ شیعه بود که در سال 324 متولد و در 385 هجری وفات یافت. وی از وزراء مشهور آل بویه بود. شیخ صدوق که کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام را به وی تقدیم نمود درباره‌اش می‌نویسد:

«از آنجا که او محب و دوستدار اهل بیت علیهم السلام است و معتقد به ولایت و امامت و اطاعت آن بزرگواران می‌باشد. .. چون بر بریسمان هدایت و ولایت آنان چنگ زده و طاعتشان را گردن نهاده و امامتشان را پذیرفته است خداوند عزت‌ش را پایدار کند.»<sup>10</sup>

ابن شهر آشوب در کتاب معالم العلمای خود وی را متکلم، شاعر، نحوی، وزیر فخرالدوله بویهی معرفی کرده است<sup>11</sup> وی کتابهای زیادی در علوم مختلف به رشته تحریر درآورده، از آن جمله:<sup>12</sup>

1- کتاب محیط (در علم معرفت) 2- الامامه (اثبات امامت علی علیه السلام) 3- کتاب الوزراء 4- الكشف عن مساوی شعر المتنبی 5- کتاب الاعیاد 6- کتاب اسماء الله تعالی و صفاته 7- الکافی فی الرسائل و فضایل النیروز.

**شیخ ابوالقاسم علی بن احمد بن علی الحزّار الرازی:** علامه حلی در کتاب **الخلاصه**ی خود، وی را متکلمی بزرگ معرفی کرده، می‌نویسد، ایشان دارای آثاری در علم کلام و فقه بوده که در ری زندگی می‌کرد. تالیفات ایشان عبارتند از: الايضاح فی اصولالدین علی مذهب اهل بیت علیهم السلام - کفایه الاثر فی النصوص علی الائمة الاثنی عشر 3- الاحکام الشریعه علی مذهب الامامیه<sup>13</sup>

**ابوالحسین محمد بن احمد بن الحارث الخطیب البساق المعروف با الحارثی:** وی

از متکلمان برجسته عالم تشیع می باشد که آثاری چند در این رشته از خود بجای گذاشته است از آن جمله: کتاب فی الامامه - کتاب نوا در علم القرآن<sup>14</sup>

**ابوالحسین الشمشاطی:** علی بن محمد العدوی شمشاطی از متکلمان قرن چهارم

صاحب کتابهایی در علم کلام می باشد از آن جمله: مختصر فی فئه اهل البیت علیهم السلام - رساله البرهان فی النص الجلی علی امیرالمومنین علیه السلام - الرساله الجامعه و فی النابحه و غیره. ..

**فضل بن عبدالرحمن بغدادی:** طبق تصریح نجاشی وی از متکلمان ماهر و صاحب

کتاب الامه کبیر می باشد<sup>15</sup>

**ابومحمد یحیی بن الحسین العلوی:** طبق گفته نجاشی وی اصالتاً اهل نیشابور از

طایفه بنی زبارة از سادات علوی و متکلم و فقیه بوده است<sup>16</sup> وی در سال 376 فوت می کند. در حالی که کتابهای چندی از قبیل کتاب توحید، کتاب ابطال القیاس. .. از خود بجا گذاشته است.<sup>17</sup>

**ابوجعفر احمد بن محمد بن رستم بن نردیان طبری (اواسط قرن چهارم):** نجاشی

درباره وی می نویسد و از اصحاب ما، کثیرالعلم و ماهر در علم کلام که کتاب **المسترشد فی الامامه و کتاب النحو** از او است. سپس اضافه می کند که وی غیر از محمد بن جریر طبری صاحب کتاب تاریخ بزرگ می باشد.<sup>18</sup> ابن شهر آشوب نیز در معالم العلماء وی را معرفی کرده، آثارش را نام می برد.<sup>19</sup>

**ابوجعفر جعفر محمد بن عبدالرحمن بن قبه رازی:** ابن قبه از متکلمان بزرگ شیعه

در قرن سوم و اوایل چهارم بوده که در ری می زیست. ابن الندیم ایشان را از متکلمان ماهر شیعه شمرده و کتاب **الانصاف فی الامامه و کتاب الامامه** را برای او نقل کرده است.<sup>20</sup>

نجاشی وی را متکلمی عظیم القدر و خوش عقیده و قوی در استدلال معرفی کرده است.<sup>21</sup> شیخ صدوق در کمال الدین خود می‌نویسد:

«ابوالحسین علی بن احمد بشار در مسئله غیبت بر ضد نظریه ما سخنانی گفت و ابوجعفر محمد بن عبدالرحمن بن قبه رازی با براهین بسیار واضح به جوابگویی پرداخت»<sup>22</sup>

**ابوالحسین محمد بن بشر الحمدنی السوسنجردی:** ابوالحسین از متکلمان بزرگ قرن چهارم هجری بوده که کتابی در کلام تصنیف نموده است<sup>23</sup> و طبق گفته ابن حجر وی فردی زاهد و با ورع بود که «مصنفانی در نصرت و یاری مذهبش» نوشته است<sup>24</sup> تالیفات او عبارتند از: الانقاذ فی الامامه<sup>25</sup>، المقنع فی الامامه<sup>26</sup>

**شیخ ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق بن ابوسهل نوبختی:** علامه حلی، (حسن بن مطهر) در اول شرح خود بر کتاب یاقوت، درباره وی می‌نویسد که شیخ مقدم و پیشوای اعظم، ابواسحاق ابراهیم بن نوبخت قدس الله روحه الزکیه و نفسه العلیه، کتاب کوچکی به نام یاقوت تصنیف کرده است که محتوای مسائل بسیار عالی و شریف و مباحث بسیار، گرانقدر و عالی است. با وجود حجم کم، علم فراوانی را در بر گرفته است که فهم آن مشکل است.<sup>27</sup>

**ابوالقاسم علی بن احمد الکوفی:** علی بن احمد کوفی از فضلاء مذهب شیعه امامیه که از جمله کتابهای وی **الاصیاء** می‌باشد.<sup>28</sup> نجاشی در کتاب خود تصریح می‌کند که وی کتبی زیادی نگاشته آنگاه تا پنج عدد بر می‌شمارد که برخی از آنها عبارتند از: کتاب الانبیاء، کتاب الاوصیاء، کتاب البدع المحدثه، کتاب التبديل و التمرین، مختصر فی الامامه، التوحید، الرد علی زیدیه، تثبیت المعجزات... علی بن احمد کوفی در اصل اهل فسا ایران بوده که در سال 352 هـ ق فوت کرده است.<sup>29</sup>

**ابوجعفر (ابومحمد - ابواحمد) محمد بن علی بن عبدک جرجانی:** ابن شهر آشوب ابوجعفر جرجانی را پیرو مذهب امامیه معرفی کرده است.<sup>30</sup> نجاشی نیز می‌نویسد که وی از بزرگان متکلمین امامیه است که دارای تالیفاتی زیادی می‌باشد.<sup>31</sup>

سمعانی نیز از قول الحاکم، تصریح کرده که، وی «موصوف به حسن نظر و رای در علم کلام است.»<sup>32</sup> از جمله تالیفات وی عبارتند از: کتاب التفسیر القرآن - کتاب رد بر اسماعیلیه - کتاب مطلع الهدایه - کتاب الکلام فی الفرقة المثبه لرویه الله تعالی.

**محمود بن الحسین:** طبق گفته ابن شهر آشوب، ابوالفتح محمود (محمد) بن حسن بن حسین بن سندی بن شاهک شاعر معروف به کشاجم از شعرا و متکلمان و منجمان شیعی بوده است.<sup>33</sup> لفظ کشاجم گرفته شده از چهار کلمه: کاتب، شاعر، متکلم و منجم می باشد. طبق گفته صاحب کشف الظنون وی در سال 350 فوت کرده است<sup>34</sup> کتاب المصائد و المطارد نیز از ایشان می باشد.<sup>35</sup>

**ابوالحسن علی بن الحسین المسعودی (متوفی 346 هـ):** مسعودی از متکلمین امامیه شمرده می شود و در این زمینه کتابهایی نوشته که از آن جمله عبارتند از: اثبات الوصیه لعلی بن ابی طالب علیه السلام، الصفوه فی الامامه، الاستنصار که ذکر اینها در کتاب مروج الذهب آمده است. وی در سال 346 هـ ق فوت کرده است.<sup>36</sup>

نجاشی در رجال خویش، وی را شیعه می داند. مسعودی در کتاب مروج الذهب و التنبیه و الاشراف نام سی و چهار اثرش را آورده است که با دو کتاب مذکور جمعاً سیصد و سی و شش اثر می باشد. برخی از آنها عبارتند از: اخبار الزمان - مروج الذهب - التنبیه و لاشراف - الاوسط - فنون المعارف - ذخائر العلوم - الاستذکار لماجرى فی سالف الاعصار - المقالات فی اصول الدیانات - کتاب الخوارج - الرسائل - فی احوال الامامه - المسالک و الممالک. ..<sup>37</sup>

**ابومحمد حسن بن موسی نوبختی (متوفی 331 هـ ق):** ابومحمد حسن نوبختی، نامی است درخشان در میان نامهای بزرگان و متفکران و در خاندان نوبخت از لحاظ فرهنگ و فضل درخشان ترین چهره می باشد

«او فیلسوف و متکلم امامی ثابت العقیده و موثق، بزرگ امامیه و

متکلم مبرز در میان هم نظیران خود در زمان خویش بوده است»<sup>38</sup>

طبق گفته ابن الندیم وی در «جمع آوری کتاب نیز علاقه مند بود و کتابهایی به خط خود استنساخ کرده بود و او را در علم کلام و فلسفه و غیره تالیفاتی است.»<sup>39</sup>

آدم متز خاورشناس درباره او گفته است:

«نوبختی مولف اولین کتابی است که در بیان آراء و عقاید و شرح ادیان و مذاهب مقام و موقعیتی دارد و از ناقلان و مترجمان کتابهای یونانی به زبان عربی» می‌باشد.<sup>40</sup>

وی به جزء فقه و کلام و فلسفه در سایر علوم نظیر نجوم، هیئت، و طبیعیات نیز تبحر داشته است و در زمینه های مختلف متجاوز از چهل و پنج جلد کتاب تالیف کرده است که برخی از آنها عبارتند از<sup>41</sup>:

کتاب الآراء و الدیانات، الاحتجاج، اختصار، الارزاق و الآجال و اسعار، الاستطاعه - الاعتبار و التمییز و الانتصار، الانسان، التنزیه و ذکر متشابه القرآن، التوحید و حدوث العلل، التوحید الصغیر، التوحید الکبیر، التوضیح فی حروب امیرالمومنین علیه السلام، الجماع فی الامامه، کتاب فی الخبر الواحد و العمل به، الخصوص و العموم، الرد علی اصحاب التناسخ، الرد علی فرق الشیعه ما عدالامامیه، الرد علی المنطق، فرق الشیعه، الرصد علی بطلمیوس، الرد علی الواقفه، الرد علی المنجمین.

یکی از آثار معروف نوبختی کتاب **الآراء والدیانات** می‌باشد که در پیرامون مکاتب، ملل و نحل مختلف می‌باشد. در رابطه با ارزش و اعتبار این کتاب همین بس که محل رجوع بسیاری از علماء مانند شیخ مفید در کتاب **الفصول المختاره**<sup>42</sup> بغدادی (متوفی 429هـ) در کتاب **الفرق بین الفرق** بغدادی، شهرستانی، (متوفی 449) در کتاب **الملل و النحل** ابن ابی الحدید در کتاب **شرح نهج البلاغه**<sup>43</sup> و دیگران در طول تاریخ بوده است. مسعودی در مروج الذهب به این کتاب اشاره کرده است.<sup>44</sup> ابن جوزی نیز در کتاب خویش **تلبیس ابلیس** از آن استفاده کرده است.<sup>45</sup>



ابومحمد الحسن بن علی بن ابن عقیل العمانی معروف به ابن عقیل عمانی الخداء: ابن عقیل از فقها و متکلمان برجسته شیعه در قرن چهارم بوده که صاحب تالیفاتی چند است. از آن جمله می‌توان به التمسک به حبل آل الرسول (علیهم السلام) و الکر و الفر اشاره نمود.<sup>46</sup> علامه در خلاصه خود ایشان را فقیه، ثقه و متکلم معرفی کرده است.<sup>47</sup>

اسماعیل نوبختی، ابوجعفر محمد بن علی بن اسحق (قرن چهارم): سید محسن امین درباره وی می‌نویسد:

«در کتاب خاندان نوبختی او را جزء متکلمین نوشته اند و کلام را از

برادرش ابی سهل اسماعیل نوبختی آموخته است.»<sup>48</sup>

محمد بن القاسم، ابوبکر البغدادی (اوایل قرن چهارم): نجاشی درباره وی می‌نویسد یکی از بزرگان شیعه که در سال 251 متولد و در سال 338 هـ وفات یافته است.<sup>49</sup> بنابراین وی از متکلمین اوائل قرن چهارم می‌باشد.

اسماعیل بن علی بن اسحاق بن ابی سهل بن نوبخت (متوفی 311 هـ. ق): از بزرگان و اعیان و وجوه شیعه امامیه و از پیشوایان علم و فلسفه و از اعلام و برجستگان متکلمان در قرن سوم و چهارم هجری بود.<sup>50</sup>

نجاشی وی را از متکلمین بزرگ شیعه نام برده است و اضافه می‌کند ایشان دارای کتب فراوانی بوده است.

اسماعیل نوبختی، علاوه بر آشنایی با فلسفه و کلام، به فقه و حدیث نیز آشنایی داشت و همه علوم و دانشهای زمان خود را دارا بود و در عین حال، شاعر و ادیب نیز بود. در واقع وی در رأس نهضت فکری قرن چهارم قرار داشت.

بزرگان طایفه شیعه و برجستگان متکلمان امامیه در قرن چهارم و پنجم به یک یا دو واسطه از شاگردان ابوسهل اسماعیل نوبختی بودند.<sup>51</sup> نجاشی می‌گوید:

«او شیخ متکلمان از اصحاب ما بود. او را در دنیا و دین جلال و

عظمتی بود، روشی چون روش وزیران همراه جلال کاتبان و دبیران

داشت.»<sup>52</sup>

ابن الندیم نیز می‌نویسد که او از بزرگان شیعه بود و ابوالحسن ناشی می‌گفت اسماعیل استاد او مردی فاضل، عالم و متکلم بود و مجلسی داشت که گروهی از متکلمان در آن حاضر می‌شدند.<sup>53</sup>

وی تالیفات زیادی دارد که حدود سی و سه کتاب وی در موضوعات کلامی است و پانزده کتاب در رد و نقض بر متکلمان معروف دیگر است. برخی از آثار وی عبارتند از: الاستیفاء فی الامامه - التنبيه فی الامامه - الجمل فی الامامه - کتاب الحاکی و المحکی - ابطال القیاس - تثبیت الرساله - الخصوص و العموم - الانوار فی تواریخ الائمة الاطهار علیهم السلام - التوحید - الارحاء - کتاب نفی و الاثبات - کتاب فی الاستحاله الرویه القدیم تعالی - کتاب حدوث العالم - الملل و النحل - الرد علی محمد بن الازهری - الرد علی الطاطری - کتاب الرد علی الغلاه - کتاب الصفات - کتاب الخواطر - کتاب المغفره...

**سید مرتضی یا شریف مرتضی:** ابوالقاسم علی بن ابی احمد حسین بن موسی موسوی (355-436 هـ ق)، سید مرتضی معروف به ذوالمجدین و علم الهدی، در ماه رجب سال 355 هـ ق متولد شد و در ماه ربیع الاول سال 436 هـ ق درگذشت و در خانه خود بغداد دفن شد، سپس او را به کربلا منتقل کردند و در مشهد امام حسین علیه السلام به خاک سپردند.

علم الهدی بزرگترین شخصیت شیعه اواخر قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم هجری در علم و فقه، کلام، ادبیات، لغت و دانشهای دیگر بود. فقهی که پیشوای امامیه در آن دوران به او رسید و در علم کلام و فلسفه اسلامی همچنین در علم نجوم شهرت بسزایی یافت. آراء و آثار سید مرتضی گنجینه کاملی از عقاید و آراء شیعه امامیه محسوب می‌شود.

سید مرتضی از لحاظ مالی در آسایش کامل بود و ثروتی فراوان و درآمدی کافی داشت که به او امکان می‌داد با روزی تامین شده و فارغ البال زندگی کند و مشاغل دنیوی و نیازمندیهای زندگانی و آن گونه که سایرین را مشغول می‌داشت او را مشغول نمی‌کرد. هیچ امری مانع مطالعه و درس و تحقیق و صرف کوشش او در تالیف و تسلط بر تمام

معارف اسلامی نمی شد و از این رو رهبر و پیشوای مردم در امور دین و دنیا به شمار می رفت. مقام او به جایی رسید که ابن اثیر او را از مجددان مذهب امامیه در آغاز سده چهارم شمرده است.

سید مرتضی آثار تالیفی فراوانی از خود به جای گذاشت که سه کتاب او به نامهای الشافی در امامت، تنزیه الانبیاء و الامالی، نمونه درستی از طرز فکر امامیه را در کلام نشان می دهد. تعداد کتابهای وی را تا هشتاد اثر ذکر کرده اند. برخی از آنها عبارتند از: الانتصار- الناصریات- الشافی فی الامامه - انقاذ البشر من الجبر و القدر - المحکم و المشابه - تنزیه الانبیاء - الاصول الاعتقادیه - الفصول المختاره - الولایه عن الجائر و یا الولایه من قبل الظالمین - المقنع فی الغیبه - احکام اهل الآخره - الذریعه الی اصول الشریعه-

سید مرتضی شاگردان زیادی تربیت کرد که هر کدام از آنها خود از علماء بزرگ و مفاخر شیعه به شمار می روند. به هر حال؛

«تاثیر آراء سید در نظرات دانشمندان پس از او بخوبی از تالیفات آنان مشهود است، در تمام مسائل آراء خاصه او را نقل و چه بسا از او پیروی کرده و احیانا با او به مخالفت برخاسته اند، در بسیاری از موارد عین عبارات او را نقل کرده اند.»<sup>54</sup>

### تدوین و تبیین اصول و مبانی فقه شیعه:

فقه در لغت به معنای دانش، دریافت علم، زیرکی، ادراک می باشد و فقیه به کسی گفته می شود که دانا به احکام شرع باشد.<sup>55</sup>

فقه در اصطلاح فقها، عبارت است از علم به احکام شرعی فرعی از روی دلیل های تفصیلی آن.<sup>56</sup>

تاریخ فقه اجتهادی شیعه به شکل کنونی آن در واقع از بعد از دوره غیبت صغری شروع شده است. تا قبل از آن دوره به دلیل حضور معصوم (پیامبر و امامان علیهم السلام)

نیازی به تفقه در احکام دینی احساس نمی‌شد. البته این بدان معنا نیست که در این دوره هیچگونه فعالیت‌های فقهی انجام نمی‌گرفته بلکه برعکس شواهدی وجود دارد که پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام به علت بعد مسافت افرادی را که در احکام تخصص داشتند به نواحی مختلف اعزام می‌داشتند. چنانکه طبق گفته شیخ طوسی، علی بن مسیب به امام رضا علیه السلام عرض کرد:

«راه دور است و من نمی‌توانم هر وقت خواستم خدمت شما برسم،

از چه کسی احکام دین خود را سوال کنم؟ امام فرمود: از زکریا بن آدم قمی

که امین بر دین و دنیا است.»<sup>57</sup>

در تقسیم بندی که از ادوار مختلف تاریخ فقه شیعه امامیه به عمل آمده، این دوره یعنی دوره بعد از غیبت صغری، تا نیمه اول قرن پنجم جزء دوره دوم ذکر شده که از جمله امتیازات آن یکی این است که: «در این دوره برای اولین بار کتب فقه فتوائی به صورت بالنسبه نظری ولی به طور ابتدایی تالیف شد.»<sup>58</sup> درباره اهمیت قرن چهارم هجری در تاریخ فقه شیعه آمده:

«فقه شیعه بر پایه اجتهاد، برای نخستین بار بوسیله ابن عقیل عمانی

(متوفای اوایل قرن چهارم هجری) معاصر کلینی بنیاد نهاده شد. پس از او

محمد بن جنید اسکافی (متوفای اواسط قرن چهارم) راه او را دنبال کرد و

پایه های اجتهاد و استنباط فقهی را محکم تر کرد. اینها به قدیمین معروف

هستند. شیخ مفید (م 413هـ) و سید مرتضی علم الهدی (م 436 هـ) نیز راه

اجتهاد را هموار کردند، تا این که نوبت به شیخ طوسی (م 460 هـ) رسید.

فقه شیعه به وسیله این مرد بزرگ به مرحله شکوفایی رسید؛ او افزون بر

تالیف دو کتاب حدیثی معتبر تهذیب و استبصار، به تدوین کتابهای فقهی و

اجتهادی همت گماشت و کتابهای نهایی، مبسوط و خلاف را در فقه به رشته

تحریر درآورد.»<sup>59</sup>

در این دوره فقهای بزرگ و کثیری ظهور کردند که برخی از معروف ترین آنها

عبارتند از:

- علی بن ابراهیم قمی (م 307هـ)
- محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی (329 هـ)
- ابوالقاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه (398 هـ)
- علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی (329 هـ) پدر شیخ صدوق
- محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه معروف به ابن بابویه و صدوق (381 هـ)
- محمد بن احمد بن جنید، معروف به اسکافی و ابن جنید (381 هـ)
- ابن ابی عقیل عمّانی
- ابو عبدالله، محمد بن بن نعمان حارثی عکبری بغدادی معروف به شیخ مفید (413 هـ)
- علی بن عیسی رمانی (384 هـ)
- محمد بن عمران مرزبانی (384 هـ)
- ابو غالب زراری (368 هـ)
- ابوبکر محمد بن عمر جعابی (355 هـ)
- ابو عبدالله حسین بن علی جعل بصری (369 هـ)

### تبیین و توسعه علم کلام:

کلام علم به قواعد و مسائلی است که به وسیله آن توانایی بر اثبات اصول دین و دفع شبهات با دلیل و برهان و تطبیق آنها با قواعد عقلیه حاصل می‌گردد.<sup>60</sup> مسائلی که مربوط به عقاید و اصول دین است علم کلام و آنچه با فروع دین ارتباط دارد فقه نامیده می‌شود. بقول شهید مطهری تعلیمات اسلامی بطور کلی در سه بخش متمرکز گردیده است که عبارتند از عقاید، احکام و اخلاق. «اولی را علم کلام، دومی را فقه و سومی را اخلاق نامیده اند.»<sup>61</sup>

تاریخ پیدایش علم کلام در اسلام از منظر شیعه، به زمان امام علی علیه السلام برمی‌گردد. گرچه مذاهب و مکاتب دیگر (سنت - معتزله - خوارج) تلاش کرده اند تا پیدایش آن را به خود نسبت دهند اما این ادعا، دلیل تاریخی ندارد. اهل تسنن [در اوایل] علم کلام غور و تفحص نکرده و خوارج نیز خود قائل به ایفای نقش در تأسیس آن نیستند. بنابراین علم کلام بر محور شیعه و معتزله دور می‌زند. اما باید توجه داشت که سابقه پیدایش مذهب اعتزال به قرن اول هجری بر می‌گردد. زیرا تولد مؤسس آن یعنی واصل بن عطاء در سال 80 هـ رخ داده است. بنابر این شیعه در تأسیس علم کلام بر همه مذاهب تقدم و سبقت دارد.<sup>62</sup>

عمر خلیفه دوم، بر اساس نقل منابع اهل سنت، با هر گونه بحث در مباحث مذهبی، حتی با سوال و تفحص از معنی عبارات و کلمات دشوار قرآن مخالفت می‌ورزیده و خود هرگز درگیر این مباحث نمی‌شده است.<sup>63</sup> به پیروی از ایشان اکثر بزرگان مذهب تسنن از ورود به مباحث کلامی امتناع می‌کردند.

در مذهب شیعه تا زمانی که امامان معصوم علیهم السلام حضور داشتند، نظر به این که امام بالاترین و عالی‌ترین مرجع دین به شمار می‌رود و همه سؤالات به او ارجاع داده می‌شود.

«پس جایی برای اجتهاد و استدلال عقلانی و به تبع، بحث و مناظره و زورآزمایی در مباحث دینی نمی‌بود، از آن گذشته بحث در مسائلی از قبیل صفات باری و جبر و قدر که درباره آن اندیشه بشری راه به جایی نمی‌برد ناشایسته تلقی می‌شد. با این وجود نظر به شیوع برخی افکار کلامی بین مسلمانان بر اثر ورود افکار التقاطی خارجی (یونان، هند و...)، برخی از اصحاب ائمه علیهم السلام در این رشته مهارت پیدا کرده تحت نظر امام به سؤالات کلامی در محافل و مجالس و مناظرات پاسخ می‌دادند. با این وجود در این دوره در نزد شیعه عقل هر چه را تجویز می‌کرد باید به تاثیر امام معصوم علیه السلام می‌رسید.»<sup>64</sup>

بنابراین مکتب کلامی شیعی، بعد از عصر امامت، از قرن چهارم به بعد شروع به شکل گیری و بالیدن کرد که ابتدا از بغداد شروع شد. دلیل آن این بود که قم «کانون اصلی حدیث امامی بود.»<sup>65</sup> به عبارت دیگری مکتب اخبارگری بر آن سیطره یافته بود اما بقول مادلونگ:

«در طی سده چهارم (دهم) با پیدایش مکتب کلام امامی در بغداد که از کلام عقلانی و روش شناسی فقهی در برابر پیوستگی بی چون و چرا به حدیث جانبداری می‌کرد، مکتب قم به افول گرائید. شیخ مفید (م، 1022/413) نخستین رهبر آن مکتب آشکارا با ابن بابویه صدوق سخنگوی اصلی مکتب قم و معلم خود به مخالفت برخاست و کتابی در تصحیح پایگاههای او نوشت در آن کتاب وی عالمان قم را خشویه شیعه (نامگذاری اهانت آمیز از محدثان سنی) خواند و ادعای ایشان را که حافظان شیعه دوازده امامی اند نادرست دانست. شاگرد و جانشین او شریف مرتضی علم الهدی (م 1044/436) عقل گرایی را گامی به پیش رانده همانند معتزلیان اصرار می ورزید که خرد (عقل) به تنهایی و بی یاری وحی باید بنیادهای دین را کشف کند. او بیش از شیخ مفید به دانشمندان قم حمله می‌کرد.»<sup>66</sup>

علم کلام ابزاری بوده که متکلمان برای اثبات عقاید خود و رد نظر و عقاید مخالفان به کار می بردند. در تاریخ شیعه در قرن چهارم بعضاً این اختلافات جنبه درون گروهی نیز داشته است. به طور مثال درباره بعضی از صفات پیامبر اسلام صل الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام مانند عصمت و علم غیب اختلافاتی بین دو حوزه قم و بغداد وجود داشته که شیخ صدوق و قمیها قائل به جواز سهو نبی صل الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام شدند در حالیکه شیخ مفید و بغدادیها معتقد به عدم جواز آن بودند.<sup>67</sup>

من حیث المجموع می‌توان گفت که قرن چهارم و قرن پنجم هجری از ادوار درخشان توسعه و رشد علم کلام به شمار می رود تا آن زمان، این رشته در میان اهل تسنن گسترش چشمگیری پیدا کرده بود و چون شیعه به علت حضور ائمه علیهم السلام چندان

جدیتی در این زمینه مبذول نمی‌داشت بر اثر هجمه علمی اهل تسنن به شیعه، این مذهب نیز ناچار به اهمیت دادن به این فن شد.

در قرن چهارم متکلمین بزرگی ظهور کردند که بار سنگین این رسالت را به بهترین شیوه به دوش کشیدند و شیعه را از تهاجمات فرهنگی مخالفین نجات دادند. در این میان شیخ مفید که بخش اعظم حیات پربار خویش را در قرن چهارم (413 هـ) گذرانده بود بیشترین نقش را ایفا نمود. چنانکه آمده:

«شیخ مفید در ابداع و تعمیم و توسعه این مکتب کوشید و با استفاده

از مبانی علم کلام و اصول فقه راه بحث و استدلال را بر روی شیعیان

گشود. اصول فقه را که مانند علم کلام در عصر ائمه طاهرین کم و بیش

متداول و معمول بود و اساس نوین آن را استادش ابن جنید اسکافی و پیش

از او ابن عقیل عمانی فقیه معروف شیعه پی ریزی کرده بودند، ولی هنوز

مورد توجه دانشمندان شیعه قرار نگرفته بود، به صورت دلپذیری درآورد.»<sup>68</sup>

طبق گفته ابن ندیم شیخ مفید در زمان خود «ریاست بر شیعه امامیه در فقه و کلام

و آثار داشت.»<sup>69</sup>



برخی دیگر از مهمترین متکلمان قرن چهارم عبارتند از:

- ابومحمد حسن بن علی بن ابن ابی عقیل عمانی: ابن عمانی در فقه و کلام یکی از ارکان مذهب شیعه محسوب می‌گردد که در دو رشته مزبور کتابهای فراوانی را عرضه داشته است.<sup>70</sup>
- ابوعلی محمد بن احمد بن جنید کاتب اسکافی (بعد از 350 هـ) بنا به قول علامه بحر العلوم وی «از مفاخر طائفه و اعظم فرقه شیعه و افاضل قدمای امامیه است، و از نظر علم و فقه و ادب و تصنیف و نیکوئی تحریر و دقت نظر بر همه آنها فزونی دارد. او دانشمندی متکلم، فقیه محدث، ادیب و دارای دانش وسیع بوده»<sup>71</sup>
- ابومحمد یحیی بن الحسین العلوی انیسا بوری (305 هـ) وی از طایفه بنی زیاد که بقول ابن شهر آشوب در پیرامون امامت، کتب زیادی را نگاشته است.<sup>72</sup>
- ابوجعفر محمد بن عبدالرحمن بن قبه الرازی (اوائل قرن چهارم). طبق گفته‌ی ابن ندیم از متکلمان حاذق شیعه بود که کتب زیادی در مورد کلام نوشته از آن جمله: **الانصاف فی الامامه، الامامه**.<sup>73</sup>
- ابوالحسین محمد بن بشر سوسنگردی معروف به حمدونی<sup>74</sup>
- ابومحمد الحسن بن موسی نوبختی پسر خواهر سهل اسماعیل بن علی (310 هـ) که صاحب الفرق و الدیانات می‌باشد.<sup>75</sup>
- ابوسهل اسماعیل بن علی بن اسحاق بن ابی سهل بن نوبخت (311 هـ)<sup>76</sup>
- ابوجعفر محمد بن علی بن اسحق<sup>77</sup>
- مسعودی، علی بن حسین کتابهای اثبات الوصیه و صفوه فی الامامه. .. متعلق به وی می‌باشد.<sup>78</sup>
- ابوجعفر محمد جریر بن رستم طبری آملی<sup>79</sup>
- ابواسحق ابراهیم بن اسحق بن ابی سهل بن نوبخت، (نیمه سده چهارم)، صاحب کتاب «الیاقوت» در علم کلام می‌باشد.<sup>80</sup>
- ابوالقاسم علی بن احمد کوفی (352 هـ)<sup>81</sup>

- محمد بن علی بن عبدک جرجانی (بعد از 360 هـ)<sup>82</sup>
- ابوالحسین علی بن عبدالله (365 هـ)<sup>83</sup>
- صاحب اسماعیل بن عباد (285 هـ)<sup>84</sup>
- علی بن احمد خزار (سده چهارم)
- ابوالحسن علی بن محمد عدوی شمشاطی (سده چهارم)
- فضل بن عبدالرحمن بغدادی (سده چهارم)

### تدوین و تنقیح احادیث:

قرآن و سنت دو رکن اساسی دین اسلام به شمار می‌روند. سنت مشتمل است بر قول، فعل و تقریر پیامبر صلی الله علیه و آله که شیعه آن را بر امامان معصوم علیهم السلام نیز تعمیم می‌دهد.<sup>85</sup> اهل تسنن بعدها، قول و عمل صحابه را در احکام، به عنوان بخشی از حدیث منبع احکام قرار دادند.<sup>86</sup> از این رو یکی از مهمترین منابع فقه، سنت می‌باشد که قسمتی از آن بصورت حدیث بیان شده است. شیعیان برای رفع مشکلات و مسائل فقهی خود، از همان آغاز مبادرت به جمع‌آوری احادیث نموده‌اند.

جریان جمع‌آوری حدیث در طول تاریخ حیات خود فراز و نشیب‌های فراوانی از آن جمله، دوره منع حدیث و دوره آزادی انتشار و تدوین مواجهه بوده است. تاریخ تدوین حدیث در نزد شیعه به دوران پیامبر اسلام صل الله علیه و آله می‌رسد. هر یک از امامان علیهم السلام اصحابی داشتند که به نقل احادیث مبادرت می‌ورزیدند چنانکه نجاشی طبقه نخست حدیث نویسان را به اصحاب امام علی و امام حسن و امام حسین علیهم السلام نسبت می‌دهد.<sup>87</sup>

در عین حال در دوره حضور امامان، دوره امامت امام باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام بهترین فرصت را از نقطه نظر تاریخ حدیث برای شیعه فراهم کرد تا به تدوین و جمع‌آوری احادیث اقدام کنند. چنان که تعداد چهارصد کتاب که به آنها «اصل» می‌گفتند فقط در زمان امام جعفر صادق تألیف گردید. بعد از این دوره نیز روند تدوین

حدیث ادامه پیدا کرد و کتب متعددی در این زمینه نوشته شد. طبق نوشته ابن شهر آشوب در معالم العلماء، حسین بن سعید کوفی (از اصحاب امام رضا علیه السلام) سی کتاب<sup>88</sup> و محمد بن عمیر از اصحاب آن امام نود و چهار کتاب و صفوان بن ابی بجای از اصحاب امام رضا و امام جواد علیهما السلام سی کتاب نوشتند که اغلب تحت عنوان «جامع» معروف بوده است. این مجموعه ها بعداً مهمترین منبع حدیث نویسانی مانند: شیخ کلینی، شیخ صدوق و شیخ طوسی، قرار گرفت<sup>89</sup>. بدون تردید اهل بیت رسالت و مکتب پر برکت آنها سهم عظیمی در نشر و تدوین حدیث داشته‌اند.<sup>90</sup>

نیاز جامعه شیعه به حدیث بعد از دوران غیبت صغری به علت عدم دسترسی به امامان معصوم علیهم السلام شدید تر شد. به علاوه برای تنقیح احادیث، علم جدیدی بنام «رجال» بوجود آمده.

قرن چهارم هجری یکی از درخشان ترین ادوار تاریخ احادیث شیعه می‌باشد. زیرا میراث عظیمی از کتب حدیثی (و رجالی) که حاصل تلاش و کوشش و بی وقفه علما و دانشمندان بوده از این دوره باقی مانده است. مهمترین کتب حدیثی شیعه که «کتب اربعه» می‌باشند در این عصر نوشته شده است. اصول کافی نوشته ثقه الاسلام محمد بن یعقوب کلینی رازی که در دوره غیبت صغری (329-260) زندگی می‌کرد می‌باشد. وی در سال 329 هجری وفات کرد.

کتاب **من لایحضره الفقیه**: تالیف ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق از دیگر کتب مهم حدیثی شیعه محسوب می‌گردد. تهذیب و استبصار تالیف شیخ الطائفه ابوجعفر محمد بن حسن طوسی (385-460) دو منبع ارزشمند حدیثی و از کتب اربعه شیعه امامیه به شمار می‌روند. در طبقه بندی که از ادوار فقه شیعه به محل آمده از قرن چهارم و پنجم تحت عنوان دوره «محدثان» یاد شده است.

«دوره محدثان از حدود غیبت کبری (یعنی اواسط نیمه اول قرن

چهارم م تا نیمه اول قرن پنجم را در برمی‌گیرد. رهبران این دوره که

بزرگترین محدثان و فقهای شیعه امامیه محسوب می‌شوند غالباً در دو شهر مهم مذهبی و فرهنگی آن روزگار، یعنی قم و ری، زندگی می‌کردند و در تهذیب و تنقیح و تنظیم حدیث شیعه نهایت تلاش خود را مبذول داشتند. کتب حدیثی که در این دوره تالیف شد، اصول منابع فقه شیعه امامیه را تشکیل می‌دهد. بدون شک حکومت شیعی مذهب آل بویه در این عصر در پیدایش و رشد و نمو این دوره تاثیر بسزایی داشته است.<sup>91</sup>

گر چه در ادوار قبل کتب حدیثی فراوانی نوشته شده اما امتیاز این دوره از آن جهت است که محدث تمام روایاتی را که دیگران به طور غیرمنظم نوشته بودند بررسی کرده، از آنها آنچه را که به نظرش صحیح می‌رسید هر کدام را در باب مناسب خود ثبت و ضبط می‌کرد که وجود کتبی مانند کافی و من لایحضره الفقیه خود دلیل اثبات این مدعا می‌باشد.<sup>92</sup> از جمله محدثان معروف دیگر که در قرن چهارم ظهور کردند عبارتند از:

- عبدالعزیز بن یحیی الجلودی (330ه).

- احمد بن محمد سعید الحافظ، معروف به ابن عقده زیدی. طبق گفته شیخ طوسی جماعتی از وی روایت می‌کردند و صد و بیست هزار حدیث با اسنادش حفظ بود.<sup>93</sup>

- محمد بن اسکافی (336 ه) که نجاشی درباره وی می‌نویسد، وی دارای منزلتی عظیم و کثیرالحدیث بوده است.<sup>94</sup>

- ابو علی محمد بن وشاح (346 ه). ذهبی در تذکره الحفاظ خود از وی یاد کرده است<sup>95</sup>

- ابوبکر محمد بن عمر معروف به ابن الجعابی (355 ه) از اساتید شیخ مفید بوده و طبق گفته ذهبی 400 هزار حدیث حفظ داشت و در حفظ روایت مانند نداشت.<sup>96</sup>

- محمد بن جنید (اواسط قرن چهارم)

- قاضی ابوحنیفه نعمان بن محمد معری (363 ه) که کتاب دعائم الاسلام را در حدیث نگاشت.<sup>97</sup>

- حسن بن علی ابومحمد حجال (سده چهارم)<sup>98</sup>

- محمد بن علی بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق (381) که از محدثان بزرگ شیعه محسوب می‌شود و کتاب من لایحضره الفقیه را نوشت.<sup>99</sup>

### نهادینه کردن سازمان روحانیت:

جامعه شیعه از زمان امام علی علیه السلام تا پایان عصر غیبت، دارای تشکیلات منسجمی بود که شیعیان را بوسیله شبکه‌های ارتباطی خویش، در نقاط مختلف به هم پیوند می‌داد. در راس هرم این تشکیلات، امام معصوم علیه السلام قرار داشت، سپس وکلاء و نمایندگان آنان با حفظ سلسله مراتب خاص قرار داشتند. این تشکیلات در عهد حضور امامان معصوم علیهم السلام، عنوان سازمان وکالت داشت. لیکن از زمان غیبت کبری، همین تشکیلات را می‌توان تحت عنوان نهاد مرجعیت یا نهاد روحانیت نام‌گذاری کرد. در مرکزیت این نهاد، شخص عالم فقیه قرار داشت که سایر شیعیان، وی را به رهبری جامعه شیعه عملاً می‌پذیرفتند. بعد از غیبت کبری، علمای بزرگی از شیعه مانند شیخ کلینی، شیخ صدوق، شیخ مفید، سید رضی، شیخ طوسی هر کدام به نوبه خود در راس این تشکیلات قرار گرفتند و نهضت تشیع را رهبری نمودند.

متأسفانه تا قبل از تشکیل دولت شیعی بویه، بدلیل سلطه جابرانه امویان و عباسیان نه امامان معصوم علیهم السلام و نه علماء شیعه، هیچکدام از آنها نتوانستند تشکیلات خود را گسترش دهند و یا مانند جناح مخالف آنرا تسنن آشکار سازند. اما با روی کار آمدن سلسله آل بویه در نیمه قرن چهارم زمینه ازهر جهت برای شیعیان فراهم شد تا برنامه‌ها و اهداف خود را جامه عمل بپوشانند. به همین دلیل است که قرن چهارم را می‌توان قرن شکل‌گیری نهاد روحانیت و گسترش فعالیت شیعیان در سایه تلاش و کوشش علماء این دوره تلقی کرد.

«از آنجا که سازمان روحانیت شیعه در فرایند تاریخی شکل گرفته،

یعنی از زمان رسول صلی الله علیه و آله شروع شد و به مرور زمان توسعه

یافت، نمی‌توان زمان مشخص و معینی برای آن ذکر کرد، ولی می‌توان آغاز

فعالیت‌های آن را به صورت سازمانی و شکل یافته‌تر، یک حرکت جدی و واکنش اجتماعی در برابر شرایط و ساختار فرهنگی آن زمان دانست که محدثان و عالمان دینی انجام دادند. این حرکت، در قرن چهارم هجری ریشه دارد که با توجه به ساختار فرهنگی جامعه و آرایش مذاهب در آن عصر، زمینه‌های اولیه‌اش با تلاش‌های علمی و مذهبی افرادی مثل کلینی و صدوق پدید آمد، اما شکل‌گیری و پایه‌ریزی اساسی آن را به صورت مشخص‌تر، از زمان حضور شیخ مفید در مجامع علمی و مراکز آموزشی باید جستجو نمود.

... بر این اساس، از نیمه دوم قرن چهارم، شیعیان و عالمان شیعی جایگاه اجتماعی‌شان را بازیافته و مرکزیت حوزه علمیه شیعه، با مدیریت و مرجعیت شیخ مفید به وجود آمد و هویت فکری شیعه تثبیت گردید.<sup>100</sup>

مرکزیت این سازمان که در واقع می‌توان از آن تحت عنوان **حوزه علمیه** نیز تعبیر کرد، در محل استقرار مراجع آن زمان - شیخ کلینی، شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی تا سال 447 هـ.ق در بغداد بود. اما در زمان سلسله سلجوقیان در سال 447 هـ، بر اثر حمله به خانه شیخ طوسی و به آتش کشاندن کتابخانه غنی وی بدنبال مهاجرت شیخ طوسی به نجف، به شهر اخیر منتقل گردید.

وظایف این سازمان متنوع بود. رهبری جامعه شیعه، تعلیم و تربیت شاگردان، پاسخ به سوالات دینی و کلامی، برگزاری مجالس وعظ و خطابه و مناظره، تدوین و جمع‌آوری احادیث، پایه‌ریزی اصول و مبانی عقیدتی شیعه، مبارزه با عقاید بدعت‌آمیز، رفع شبهات عقیدتی، تبلیغ و اشاعه مکتب اهل بیت علیهم السلام، اتخاذ مواضع سیاسی منطقی با دولت‌ها، برگزاری مراسم مذهبی، دریافت و توزیع وجوهات شرعی ... از جمله مهمترین وظایف آن به شمار می‌رفت.

با ضرس قاطع می‌توان اذعان نمود که علمای قرن چهارم با تلاش و کوشش جهاد گونه‌ی خویش، بیشترین نقش را در تحقق اهداف مزبور ایفا نمودند تا حدی که سبب اصلی ماندگاری تفکر شیعه در قرون بعد را باید مدیون این خدمات دانست.

### تأسیس مدارس و مراکز علمی:

در طول تاریخ اسلام، مهمترین مراکزی که برای تعلیم و تربیت شاگردان و طالبان علم مطرح بوده عبارت بوده‌اند از: منازل شخصی - مساجد - مکتب خانه‌ها، مدارس و دارالعلم‌ها - بازارچه‌ها - بیت الحکمه‌ها.<sup>101</sup>

در میان شیعیان پیدایش سازمان مدارس بر پایه یک اسلوب شایسته و برتر، از قرن پنجم هجری در جامعه اسلامی رسمیت و گسترش یافته بود.<sup>102</sup>

علماء و فقهای قرن چهارم در زمینه تأسیس مدارس سهم عمده‌ای ایفا نمودند. آنان از تمام امکانات موجود آموزشی، برای تربیت شاگردان و آموزه‌های مکتب اهل بیت علیهم السلام استفاده می‌کردند. در واقع با تلاش و کوشش آنها سازمان آموزشی شیعه وارد مرحله جدیدی از تاریخ خود شد. چنانکه نجاشی در کتاب رجال خویش تصریح می‌کند که خانه ابوعمر و کثی (نیمه اول سده چهارم) «محل اجتماع شیعیان و اهل علم» بوده است.<sup>103</sup>

سید رضی از کسان دیگر است که در تأسیس مرکز علمی و کتابخانه گام بلندی را برداشته است چنانکه آمده:

«سید رضی نه تنها علوم متداول زمان خویش را به خوبی فرا گرفت، بلکه گنجینه دانش و اندوخته‌های علمی خویش را نیز مخلصانه در اختیار دیگران قرار داد و از این راه عده بی‌شماری فیض بردند. سید رضی در نزدیکی خانه خویش، در محله کرخ بغداد، مدرسه‌ای تأسیس کرد و آن را دارالعلم نامید. این مدرسه، ساختمان‌ها و تالارهایی برای تدریس، سخنرانی و محل برپایی جلسات بحث و گفتگوهای علمی و اتاق‌هایی برای زیست

دانشجویان داشت. در کنار مدرسه، کتابخانه بزرگی با هشتاد هزار جلد کتاب وجود داشت<sup>104</sup> که مجموعه ای شامل با ارزش ترین و مهمترین مراجع و منابع عربی و اسلامی را تشکیل می‌داد.

سید رضی سرپرستی سه بخش مختلف مدرسه را، خود بر عهده داشت و شخصا به امور آن و دانشجویان و کتابخانه رسیدگی می‌کرد. تلاش او به این دلیل بود که دانشجویان، با فراغ بال و آسودگی خاطر به درس خواندن مشغول باشند و به همین جهت، تمام هزینه مدرسه و دانشجویان را سید، خود می‌پرداخت.<sup>105</sup>

تشکیل دولت شیعه مذهب بویه، زمینه را از هر جهت برای گسترش فعالیت مراکز علمی شیعه، فراهم نمود. خود سلاطین سلسله بویه نیز در این راستا اقدامات اساسی انجام دادند. چنانکه «ابونصر شاپور بن اردشیر [336-416 هـ ق]» وزیر بهاء الدوله از آل بویه [40 هـ ق] در سال 382 هـ ق خانه ای را در جانب غربی بغداد در محله کرخ خرید و پس از نوسازی نام «دارالعلم» بر آن نهاد و وقف استفاده دانشمندان کرد و کتابهای بسیار نیز بر آن وقف کرد.<sup>106</sup>

از همه مهمتر اینکه، اداره امور این مرکز بعد از فوت شاپور بن اردشیر به شریف مرتضی نقیب علویان بغداد [355-436 هـ ق] واگذار شد.<sup>107</sup>

### تربیت شاگردان:

یکی از بزرگترین خدمات فقها و متکلمان شیعه در قرن چهارم این بود که هر یک از آنها شاگردانی ممتاز و برجسته تربیت کردند این امر آنقدر مهم است که از اسباب ماندگاری و جاودانگی مکتب اهل بیت علیهم السلام، وجود پربرکت آنان بوده است. شاگردان در مکتب خانه‌ها، دارالعلم‌ها و مدارس آن زمان از اساتید خود کسب علم و دانش می‌کردند و طبق سنت آن زمان برای نقل احادیث و تدریس دیگر معارف اسلامی باید از اساتید خویش اجازه نامه می‌گرفتند.<sup>108</sup>



سنت تعلیم و تربیت به عصر رسالت و امامت می‌رسد که پیامبر اسلام و امامان معصوم علیهم السلام برای پیاده کردن اهداف و برنامه های خویش، همواره در پی جذب افراد لایق و متعهد بودند که مهمترین نمونه آن را در شخصیت امام جعفر صادق علیه السلام می‌توان دید. در ذیل به نمونه هایی از اساتید فقه و کلام قرن چهارم که شاگردان فراوانی تربیت کرده اند واز این رهگذار به نشر و گسترش آموزه ها و معارف شیعه پرداختند اشاره می‌شود:

- شیخ صدوق - حسین بن علی قمی برادر شیخ صدوق - حسن بن حسین بابویه - علی بن احمد نجاشی - ابوالقاسم علی بن محمد خزاز - ابو عبدالله حسین بن عبیدالله غضائری - ابوالحسن جعفر قمی - محمد بن احمد دوریستی - ابو ذکریا حمرانی - ابوالبرکات علی خوزی - محمد بن احمد قمی - احمد بن محمد عمری - شیخ مفید - هارون بن موسی تلکبری - عبدالصمد قمی - محمد بن طلحه بغدادی - محمد بن حسن معروف به نعمت - علی بن محمد عمری - علی بن حسین حسینی - حسن بن حسن قمی - ابوبکر محمد بن احمد<sup>109</sup>

**شیخ کلینی:** احمد بن ابراهیم صیمری - احمد بن احمد کاتب کوفی - احمد بن علی بن سعید کوفی - احمد بن علی کوفی - ابو غالب احمد بن محمد زراری - جعفر بن محمد بن قولویه قومی - عبدالکریم بن عبدالله بزازی تنیسی - علی بن احمد دقاق محمد بن ابراهیم نعمانی - محمد بن احمد صفوانی - محمد بن احمد سنانی - محمد بن عبدالله شیبانی - محمد بن علی ماجیلویه - محمد بن محمد کلینی - هارون بن موسی تلکبری<sup>110</sup>

**محمد بن همام:** جعفر بن محمد بن قولویه - محمد بن ابراهیم نعمانی - ابو غالب زراری - شیخ صدوق - هارون بن موسی تلکبری - ابوعلی احمد بن سلیمان - عباس بن ماهیار - ابوبکر احمد بن عبدالله وراق دوری - ابوالفضل شیبانی - ابن شعبه حرانی - ابوالحسن احمد بن محمد جراح - محمد بن احمد بن داود و ..<sup>111</sup>

**ابن عقده:** شاگردان وی را تا نوزده نفر که همگی برجسته و ممتاز بوده اند

نوشته‌اند.<sup>112</sup>

ابوعمر و کثی: هارون بن موسی تلعبری - ابواحمد حید بن محمد سمرقندی

محمد بن احمد بن داود القمی بن داود قمی: شیخ مفید - حسین بن عبیدالله

غضائری - احمد بن عبدون - ابو غالب رازی - ابوالعباس احمد بن نوح سیرافی - احمد بن محمد بن داود - محمد بن عبدالله بن عبدالرحمن بن سمیع<sup>113</sup>

ابو غالب زراری (368 هـ ق) احمد بن محمد بن سلیمان: هارون بن موسی

تلعبری - حسین بن عبیدالله غضائری - شیخ مفید - احمد بن عبدون - ابن غرور و دیگران<sup>114</sup>

جعفر بن محمد قولویه (368 هـ): هارون بن موسی تلعبری - شیخ مفید - حسین

بن عبیدالله غضائری - احمد بن عبدون - ابن غرور و غیره<sup>115</sup>

شیخ صدوق (381 هـ ق): شیخ صدوق از علمای بزرگ عالم تشیع، گذشته از

رجال حدیث شیعه و سنی، به افاده و بیان و املاء احادیث اندوخته، به طالبان علم و شاگردان خویش و آماده ساختن آنها برای حفظ و نگهداری کتب و آثار اهلیت عصمت و طهارت اهتمام فراوان داشته است. به همین جهت گروهی از مفاخر علمای شیعه و سنی از شاگردان او بشمار آمده اند، که یا رسماً شاگرد وی بوده اند، یا از ایشان روایت نموده یا اجازه گرفته اند. مرحوم ربانی شیرازی جمعا 27 نفر از شاگردان و راویان وی را ذکر نموده است.<sup>116</sup>

حسین بن علی بن بابویه (418 هـ ق): ابوالعباس احمد بن علی سیرافی - جعفر بن

محمد خرازی - سید مرتضی - شیخ سیدرضی - شریف محمد بن حمزه - حسین محمد قمی - حسن بن محمد عجلی و غیره.<sup>117</sup>

شیخ مفید (413 هـ ق): شیخ مفید شاگردان زیادی را تربیت نمود که سرآمد آنها

علم الهدی سید مرتضی، سید رضی، شیخ طوسی، ابوالعباس نجاشی، ابوالفتح کراچکی، حسین بن عبیدالله غضائری، ابویعلی محمد بن حسن جعفری - سالار بن عبدالعزیز دیلمی، جعفر بن محمد دویستی می باشند.<sup>118</sup>

**سید مرتضی (وفات 436 هـ ق):** بسیاری از بزرگان و مفاخر علم فقه و کلام، اعم از شیعه و سنی از شاگردان شیخ سید مرتضی بوده اند. که مهمترین آنها عبارتند از: شیخ طوسی - سالار بن عبدالعزیز دیلمی - عمادالدین ابوالصمصام ذوالفقار مروزی - سید نجیب الدین حسن موسوی - تقی بن ابی طاهر هادی نقیب رازی و غیره<sup>119</sup> چنانکه قزوینی در کتاب النقص خود می نویسد: «مرتضی (علم الهدی) را رضی الله عنه چهارصد شاگرد فاضل متبحر داشته است»<sup>120</sup>

### تألیف کتاب و تأسیس کتابخانه‌ها:

اهتمام مسلمانان به جمع آوری کتاب و تأسیس کتابخانه های شخصی و عمومی، بعد از فتوحات اولیه و مخصوصا از نیمه دوم قرن دوم با تأسیس دولت عباسیان و استقرار امنیت، گسترش چشمگیری یافت. در سایه توجه برخی از خلفا و پادشاهان و وزراء و علما بزودی کتابخانه های بزرگی سر به عرصه وجود گذاشت که بارزترین آن، کتابخانه بیت الحکمه بغداد بود.

قرن چهارم هجری که عصر تشکیل دولت آل بویه بود، به دلیل توجه سلاطین و وزراء آن دولت به تأسیس کتابخانه از حیث تاریخ کتابخانه دوره طلایی محسوب می شود. که مهمترین آنها عبارت بودند از: کتابخانه عضدالدوله در شیراز - کتابخانه صاحب بن عباد - کتابخانه ابوالفضل بن حمید - کتابخانه جیشی پسر معزالدوله - کتابخانه ابومنصور وزیر ابوکالیجا - کتابخانه شاپور پسر اردشیر وزیر بهاءالدوله. ابن اثیر در مورد توجه عضدالدوله به علما و دانشمندان و کتاب چنین می نویسد:

«عضدالدوله دوستدار علم و دانش بود و به علما ارج می نهاد و از احسان به آن دریغ نمی کرد و با آنان می نشست تا با هم به مناظره در مسائل پردازند. دانشمندان از هر شهری آهنگ محضر او می نمودند و برای او و به نام او کتابهایی تألیف می کردند».<sup>121</sup>

همانطور که اشاره شد عضدالدوله در شیراز در کنار قصر خویش کتابخانه بزرگی

تاسیس نمود که مقداری درباره عظمت آن چنین می‌نویسد:

«یک کتابخانه جدا نیاز دارد که زیر نظر یک سرپرست و یک کتابدار و یک ناظر از نیکوکاران شهر اداره می‌شود. هیچ کتابی نیست که تاکنون در دانش‌های گوناگون تصنیف شده باشد مگر نسخه‌اش بدانجا آورده است. وی اینجا را به صورت دالانهای سرپوشیده [با یک رواق و سردر] و یک سالن بزرگ ساخته که [با قرشها عباداتی فرش شده است] انبارهای کتاب در اطراف آنها است. به دیواره انبارها و دالانها اطاقکهای چوبین کنده‌کاری شده بر پا داشته، که یک قامت بلندی و سه ذرع پهنا دارند و هر یک با کشویی از بالا به پایین بسته می‌شود. دفترها از هر نوع در یک «رف» ویژه چیده شده است. فهرست‌هایی نیز دارد که نام کتاب‌ها در آن روشن شده است. [دربانان بر در کتابخانه ایستاده و] کسی جز آبرومندان بدان راه نیابند.»<sup>122</sup>

در کنار دانشمندان علوم عقلی، علما و دانشمندان علوم دینی و نقلی شیعه نیز در فرایند توسعه فرهنگی این دوره نقش مهم و بنیادی ایفا نموده‌اند. آنان گذشته از این که خود کتاب‌هایی مختلف تالیف و به جامعه عرضه داشته‌اند برخی در خود اقدام به تاسیس کتابخانه‌هایی شخصی یا عمومی کرده‌اند.

همانطور که مسبوق افتاده، ابوالحسن محمدالرضی (359-406) معروف به سید رضی در کنار مدرسه خویش کتابخانه تاسیس نمود که بیش از 80 هزار جلد کتاب در آن موجود بود.<sup>123</sup>

همچنین علی بن حسین بغدادی معروف به سید مرتضی (وفات 436 هـ) که صاحب هشتاد قریه بود و کتابخانه‌ای با هشتاد هزار جلد کتاب داشت.<sup>124</sup> وی خود بیش از نود تالیف اعم از کتاب، رساله و مقاله در موضوعات مختلف علمی اسلامی به رشته‌ی تحریر درآورده بود.<sup>125</sup>

طبیعی است که هدف علما شیعی از تاسیس کتابخانه‌های مزبور، کمک به تولید و توسعه علم با محوریت علوم اهل بیت علیهم السلام بوده است. چنان که علامه حلی درباره‌ی آثار سید مرتضی می‌نویسد: «با وجود کتابهای سید مرتضی، مذهب امامیه از زمان او تاکنون پا بر جا مانده است و او یکی از ارکان و معلمان شیعه بود.»<sup>126</sup>

فقها و متکلمین قرن چهارم در پیرامون مبانی و اصول عقاید شیعه کتاب‌های زیادی نوشته اند که برخی از آنها حتی تاکنون هنوز اعتبار و ارزش علمی خود را در محافل فرهنگی حفظ کرده‌اند.

1- نقه الاسلام محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی (وفات 329 هـ ق) طبق گفته طوسی و نجاشی 6 کتاب نوشته است که معروفترین آنها کتاب **الکافی** است. این اثر، مشتمل بر 16199 حدیث می‌باشد که جزء کتب اربعه تشیع محسوب می‌شود.

2- محمد بن همام (وفات 333 یا 336): صاحب کتاب **الانوار فی تاریخ الائمه الاطهار**.<sup>127</sup>

3- احمد بن محمد بن سعید کوفی معروف به بن عقده (وفات 333 هـ): نجاشی، تعداد تالیفات وی را تا 24 فقره ذکر کرده است.<sup>128</sup> ابن شهر آشوب در زمینه تالیفات وی می‌نویسد: احمد بن محمد بن سعید، دانشمند موثق زیدی است، وی کتابهایی برای علمای ما تزیف کرده است مانند کتاب تاریخ و سنن که گویند چهارپایی آن را حمل می‌کرد و کسی جز او نتوانسته است آنهمه مطالب را گرد آورد.<sup>129</sup>

4- ابوعمرو کشی (نیمه اول سده چهارم) صاحب کتاب **الرجال** که در واقع دائرة المعارف رجال شیعه می‌باشد.

5- حسن بن علی بن شعبه حرّانی (وفات 336 هـ) نویسنده کتاب **تحف العقول و التمیص** که به قول شیخ عباس قمی در فوائد رضویه «کتابی است نفیس و پرفائده و مشهور بین علماست»<sup>130</sup>

6- محمد بن ابراهیم نعمانی (زنده در 342هـ) صاحب کتابهای غیبت، فرائض، ردبراسماعیلیه ... که معروف ترین همان غیبت است که «در جامعه شیعه اثری با این جامعیت و اتقان و اعتبار تاکنون به دست نیامده است»<sup>131</sup>

7- محمد بن حسن بن ولید قمی (343هـ ق) شیخ طوسی در الفهرست در باب تالیفات وی می‌نویسد: «محمد بن حسن بن ولید قمی، دانشمندی جلیل القدر و عارف به رجال و مورد وثوق می‌باشد. اوراست کتابهای متنوعی در علوم گوناگون که از جمله کتاب «الجامع» و «التفسیر» و غیراینهاست. روایات و کتب او را ابن ابی جید از وی به ما خبر داد»<sup>132</sup>

8- حسن بن عای ابن ابی عقیل عمانی (وفات حدود 350هـ) نویسنده کتابهای التمسک بحیل آل الرسول و الکر و الفر و کتابهای دیگر.<sup>133</sup>

9- ابوالحسن محمد بن احمد بن داود قمی معروف به ابن داود قمی. نجاشی در الرجال خود 12 کتاب وی را ذکر نموده است مانند: کتاب البیان عن حقیقه الصیام، کتاب فی عمل شهر رمضان...

10- ابوغالب احمد بن محمد بن سلیمان زراری (وفات 368هـ) کتابهای زیادی تالیف نموده از آن جمله: تاریخ، ادعیه سفر، افضال، رساله و...<sup>134</sup>

11- جعفر بن محمد بن قولویه قمی معروف به ابن قولویه. طوسی در الفهرست در باب تالیفات وی می‌نویسد:

«اوراست تصانیف بسیاری به تعداد ابواب و کتب فقه. از جمله کتاب مداوات الجسد- الحیات الابد- کتاب الجمع و الجماعه- کتاب الفطره- کتاب الصرف- کتاب الوطی بملک الیمین- کتاب الرضاع- کتاب الاضحی- کتاب جامع الزیارات و آنچه که در آن از فضیلت زیارات از ائمه علیهم السلام روایت کرده است، که خود احادیث بسیاری را تشکیل می‌دهد و نیز اوراست کتاب فهرست و اصولی که روایت کرده است»<sup>135</sup>

12- حسن بن محمد قمی (زنده در 378 هـ ق). وی نویسنده کتاب معروف به

«تاریخ قم» است که برای صاحب بن عباد نگاشته بود.<sup>136</sup>

13- محمد بن علی بن بابویه قمی معروف به ابن بابویه و نیز شیخ صدوق (وفات

381 هـ) که با دعای امام زمان علیه السلام متولد شد و صاحب کتابهای فراوانی می‌باشد که یک عدد از کتابهای وی جزء کتب اربعه شیعیه به شمار می‌رود که عبارت است از: من لایحضره الفقیه. از کتابهای معروف دیگر وی می‌توان به عیون الاخبار الرضا علیه السلام، مدینه العلم، توحید، نبوت، مقنع، علل الشرایع نام برد.

شیخ طوسی تعداد کتاب های وی را تا 300 کتاب ذکر کرده است. خود وی در

الفهرست 40 عدد را نام می‌برد. نجاشی در رجال خود 189 کتاب وی را ذکر کرده است.

14- حسین بن علی بن بابویه. وی برادر شیخ صدوق می‌باشد که با دعای امام

زمان علیه السلام بدنیا آمد (وفات 418 هـ ق) در کتاب فوائد الرضویه در باب تالیفات وی آمده: از برای اوست کتابی بر رد واقفه و کتابی نوشته برای صاحب بن عباد<sup>137</sup>

15- ابن جنید اسکافی (بعد از 350 هـ ق). تالیفات وی مطابق گفته ابن ندیم شیخ

طوسی و نجاشی جمعاً در حدود 50 کتاب یکی از آنها «تهذیب الشیعیه» می‌باشد که در بیست جلد نوشته شده است.<sup>138</sup>

16- هارون بن موسی تلعبری (وفات 385 هـ ق). نجاشی در مورد وی می‌نویسد:

«هارون بن موسی بن احمد بن سعید بن سعید، ابومحمد تلعبری، از بنی شیبان، چهره‌ای درخشان در میان علمای ما و دانشمندان موثق و مورد اعتماد بود و جای گفتگو نداشت.

اوراست کتابهایی که از جمله کتاب «الجامع فی علوم الدین» است.»<sup>139</sup>

17- حسین بن عبیدالله غضائری (وفات 411 هـ ق). وی دارای کتب زیادی بوده

که نجاشی در رجال خویش سیزده عدد آنها را، نام می‌برد از آن جمله: کشف التمیویه و الغمه- التسلیم علی امیرالمومنین بامر المومنین- کتاب نوا در فقه...<sup>140</sup>

یاقوت درباره ی وی می‌نویسد: «از ادباء و فضلاى هوشمند و داراى خطى زیبا

بوده که همچون خط «ابن مقله» است.<sup>141</sup>

18- محمد بن محمد نعمان ابو عبدالله معرف به شیخ مفید، «شیخ الطائفه» (وفات 413). وی از دانشمندان و علمای بزرگ شیعه می‌باشد که کتاب‌های زیادی در رابطه با اصول عقاید شیعه نوشته است. از مجموع روایات نجاشی، طوسی و ابن شهر آشوب و علامه مجلسی می‌توان چنین نتیجه گرفت که تعداد تالیفات وی بیش از یکصد و نود کتاب می‌باشد.<sup>142</sup>

ذهبی دانشمند متعصب و معروف تسنن، درباره تالیفات او، از عبارت «تصانیف بدیعه و کثیره»<sup>143</sup> یاد کرده است.

19- علی بن حسین بغدادی معروف به «سید مرتضی» (وفات 436 هـ ق) ابن خلکان درباره تالیفات وی می‌نویسد: «اوراست تصانیفی بر وفق مذهب شیعه، و گفتاری در اصول دین. دیوان شعر او بزرگ است.. از جمله تالیفات او کتابی است که آن را «غرر و درر» نامیده و مجالسی است که مطالب را املا نموده و مشتمل بر فنونی از معانی ادب است و از نحو و لغت و غیره سخن گفته است».<sup>144</sup> قاضی نورالله شوشتر نیز نوشته: «اوراست تصانیفی در اصول و فروع مذهب تشیع»<sup>145</sup>

شیخ طوسی در فهرست خود، تعداد کتاب‌های وی را سی و هفت و نجاشی در رجال و ابن شهر آشوب مازندرانی در معالم، خود 52 و رشید صفا در مقدمه دیوان سید مرتضی جمعاً هفتاد و یک کتاب او را نام برده‌اند.<sup>146</sup> از آن جمله: «الشافی» - کتاب ذریعه - امالی - تنریه الانبیاء و...

20- سید محمد بن حسین رضی موسوی (وفات 359-406 هـ) سید رضی یکی از بزرگترین نوابغ شیعه، برادر کوچکتر سید مرتضی می‌باشد. همانطور که قبلاً اشاره شد او مدرسه و کتابخانه‌ای بزرگ تاسیس کرد و خود صاحب تالیفات فراوانی است که مشهورترین آنها نهج البلاغه می‌باشد.<sup>147</sup>

در اینجا تذکر این نکته لازم می‌نماید که برخی از علما کتابهای خود را به دولتمردان هدیه می‌دادند. مانند حسن بن محمد قمی مولف تاریخ قم که کتاب خود را برای صاحب بن عباد تصنیف کرده است.<sup>148</sup>



### مبارزه با غالبان:

غلو بروزن فعول به معنای افراط، ارتقاء، بالارفتن و تجاوز از حد و حدود هر چیزی می‌باشد.<sup>149</sup> در اصطلاح دینی، بدین معنا است که «انسان چیزی را که به آن اعتقاد دارد از حد خود، بسیار فراتر برده است»<sup>150</sup>

غلوگرایی یک جریان اعتقادی است که در همه‌ی ادیان به منصفه ظهور رسیده و در مورد مذهب تشیع به کسانی تعلق می‌گیرد که در مورد برخی از مسائل دینی از ان جمله جبر؛ اختیار؛ عصمت و علم معصومین علیهم السلام، افکاری افراط آمیز پیدا کردند. مخصوصاً افراد یا فرقه‌هایی که به خدایی امامان یا حلول روح خدایی در وجود آنان اعتقاد پیدا کرده بودند.<sup>151</sup>

«یکی از مهمترین خطاهایی که شیعه را در طول تاریخ تهیدد کرده است، مسئله غالبان و نسبت عقاید آنان به شیعیان است. به طوری که پیوسته مخالفان و دشمنان شیعه آنان را به غلو و زیاده روی در مورد امامان شان متهم می‌کرده اند.

وجود غلات در میان مسلمانان بیشتر معلول عوامل خارجی بوده است تا عوامل داخلی. دشمنان اسلام با مقابله مستقیم و رویارویی نتوانستند به اسلام ضربه بزنند و اسلام سرزمین‌های آنان را درنوردید و دشمنانش را شکست داد. از این رو آنان در این صدد برآمدند که از داخل به اسلام ضربه بزنند؛ از این رو اصول نخستین اسلام را مورد هدف قرار دادند.»<sup>152</sup>

گر چه قرآن کریم و معصومین علیه السلام به پرهیز مسلمانان از گرایش به این گونه اعتقادات منع می‌کردند. (قل یا اهل الكتاب لاتغلو فی دینکم رسوره مائده، آیه 77) با این حال جریان مزبور به صورت یک معضل اساسی در اسلام خودنمایی کرد.

جریان غالبی در تشیع که از آن می‌توان به یک نوع مبارزه فرهنگی دشمن تلقی کرد از دوران خلافت امام علی علیه السلام شروع شد و در طول تاریخ، علی رغم

مبارزه شدید ائمه اطهار علیه السلام و اصحابش و نیز علما و فقها شیعی همچنان به حیات خود ادامه داد که دلیل اصلی تداوم آن نیز تا حدود زیادی به حمایت حکام و دولتهای وقت مخالف شیعی از آنها برمی‌گردد.

در قرن چهارم هجری نظر به شروع دوره غیبت کبری، رسالت علما و فقها برای مبارزه با افکار بدعت آمیز غالیان سنگین تر شد. در این دوره برخی افکار غلوآمیز از آن جمله «مفوضه» که از قبل بوجود آمده بود در جریان بود که با مقابله سرسختانه علمای این دوره مواجه شد. چنانکه آمده:

«مفوضه نیز تا پایان قرن چهارم به کشمکش خستگی ناپذیر خود ادامه داده و همچنان علمای قم را با نام موهن مقصره توصیف می‌کردند. این کار، شیخ صدوق - بزرگترین و برجسته ترین فارغ التحصیل و نماینده مدرسه قم را که در اواسط و نیمه دوم قرن چهارم می‌زیست به شدت خشمگین کرد. در رساله اعتقادات که او در تشریح اجمالی مواضع کلامی شیعه نوشته پس از تاکید بر این که از نظر شیعه، غلات و مفوضه کافر بوده و از همه فرق دیگر کفر و ضلال بدترند می‌گوید: نشانه مشخص مفوضه و غلات و نظایر آنان این است که آنان علما و مشایخ قم را به تقصیر متهم می‌کنند.»<sup>153</sup>

به هر حال، عقاید اصولی غلات مانند: رجعت، وصیت، مهدویت، تناسخ، حلول، تشبیه، اعتقاد به الوهیت ائمه علیهم السلام به میان شیعه نفوذ پیدا نکرد. شیعیان به پیروی از امامان خویش به شدت در مقابل آنان ایستادگی نموده بلکه آنان را تکفیر کردند. در این دوره نیز علما شیعی با نوشتن کتب کلامی شیعه با براهین و استدلال‌های محکم، به رد این عقاید پرداختند.<sup>154</sup> نقش علما شیعی قرن چهارم در زمینه پالایش مذهب تشیع از اعتقادات اغراق آمیز غالیان، بس برجسته و عظیم است. مجالس مناظره و نیز کثرت تعداد کتبی که در این زمینه، غالباً تحت عنوان «ردیه»، از سوی آنان نگارش یافته، بیانگر التفات آنان به این امر مهم بوده است، مانند:

کتاب **الرد علی الغلاه**، نوشته سعد بن عبدالله بن ابی خلف الاشعری قمی (وفات 299 یا 301 ه)<sup>155</sup> کتاب رد برغلاه نوشته ابو عبدالله حسین بن عبدالله غضائری. (وفات 411 ه)<sup>156</sup>

### مسافرت علما به نقاط مختلف و تأثیر آن در گسترش تشیع:

حضور علما و پراکندگی آنها در مراکز علمی شیعی در شهرهای مختلف، مهمترین نقش را در گسترش شیعه داشته است. قم یکی از نخستین شهرهای شیعه نشین ایران محسوب می شود که مهمترین عامل نفوذ تشیع در آن شهر، مهاجرت خاندان اشعری در نیمه دوم قرن اول هجری می باشد. از میان این خاندان، علمای بزرگی ظهور کردند. قم بزودی تبدیل به یکی از بزرگترین مراکز علمی شیعه شد که خود مکتب ویژه ای را به جهان تشیع عرضه نمود.

در سده چهارم علمای بزرگی از قم برخاستند که در تحکیم و تقویت بنیاد تشیع در آن خطه، بلکه در ایران نقش مهمی ایفا نمودند. در این میان از سهم خاندان بابویه که دانشمندان زیادی به جامعه تشیع عرضه داشتند نباید غفلت کرد. علاوه بر علماء مزبور از افرادی مانند: علی بن حسین بابویه (وفات 329 ه) مؤسس مکتب جدید فقهی<sup>157</sup>، احمد بن محمد خالد برقی، ابن قولویه، محمد بن حسن صفار، عبدالله بن جعفر حمیری، علی بن ابراهیم قمی می توان نام برد که از خاندان مزبور در قم می زیستند. در این خصوص آمده:

«وجود این عالمان در قم و ایجاد محفلهای درسی جهت حدیث

شناسی، موجب شد این شهر به یکی از مراجع حل و فصل مسائل علمی

تبدیل شود، به گونه ای که حتی گفته می شود حسین بن روح نوبختی که

یکی از خاندانهای شیعی ایرانی و نایب امام در زمان غیبت صغری بود،

کتابی را جهت بررسی، نزد علمای قم فرستاد.»<sup>158</sup>

شیخ صدوق از جمله علمای دیگر قرن چهارم است که برای ترویج مکتب اهل

بیت علیهم السلام از قم زادگاه خویش به شهرهای مختلف (ری، بغداد، سمرقند، سرخس،

وخراسان، جیحون) سفر کرد و در این راه زحمات زیادی را متحمل گردید. رکن الدوله دیلمی او را به ری مقرر حکومت خویش دعوت کرد تا به تعلیم و تربیت مردم آنجا پردازد. محدث قمی در پیرامون نقش وی در گسترش شیعه می‌نویسد:

«به التماس شیعیان ری به آنجا رفت و در آنجا اقامت فرمود. از خراسان و بصره و کوفه و مصر و مدائن و قزوین، .. به او رجوع داشتند، او قریب سیصد کتاب تصنیف فرمود غالب احادیثی که به ما رسیده از برکات قلم او است.»<sup>159</sup>

صاحب بن عباد وزیر موید الدوله که اصلاً ایرانی و اهل اصفهان بود در مدت اقامت خود در اصفهان به قول نویسنده سفینه البحار، موجب گسترش تشیع در اصفهان گردید.<sup>160</sup> وی در زمان وزارت خویش از هر گونه تلاش برای ترویج مذهب تشیع دریغ نورزید.

همچنین شیخ مفید با حضور خود در آنجا، و تاسیس حوزه علمیه بغداد در ترویج تشیع در این منطقه بلکه در جهان آن روز، نقش ارزنده ای ایفا کرد. چنانکه ابن کثیر می‌نویسد:<sup>161</sup>

رهبر و پیشوای امامیه و رافضیان، که کتابهای زیادی برای شیعیان نوشته و حامی تشیع می‌باشد. وی در نزد پادشاهان زمان صاحب منزلت بود به دلیل اینکه در این دوران خیلی از مردم تمایل شدیدی به شیعه داشتند. مجلس وی محل آمد و شد جمع کثیری از علمای سایر مذاهب ود. از جمله شاگردان وی شریف رضی و مرتضی بود.<sup>162</sup>

### یادداشت‌ها:

1- بغدادی، احمد بن علی بن خطیب، تاریخ بغداد، ج 8، بغداد: نشر الناقي، 1349، ص 73  
 73 ايضاً حلي، ابومنصور الحسن بن يوسف بن المطهر الاسري، خلاصه الاقوال في معرفة الرجال، تحقيق شيخ جواد قيومي، قم، مؤسسه النشر الاسلامي، 1417ق/ الطبعة الاولى. خلاصه الاحوال في معرفة الرجال، ص 248، شماره 46، ابن شهر آشوب،

- محمد بن علی، معالم العلماء، تهران: عباس اقبال، 1349 هـ ش معالم العلماء، ص 147، ش 765.
- 2- ابن اثیر، عزالدین علی، تاریخ کامل، تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه علی هاشمی حائری و ابوالقاسم حالت، تهران: علمی، بی تا، ج 9، حوادث سال 393
- 3- نعمه، عبدالله، فلاسفه شیعه، ص 364، ترجمه سید جعفر غضبان، ص 364. به نقل از موسوی، سید حسن، زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد، قم، موسسه بوستان کتاب قم، 1381.
- 4- امین، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت: دارالمعارف، 1403، ج 46، ص 20 تا 26، ایضاً طوسی، الفهرست، ص 9-238، شماره 711.
- 5- نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی بن احمد، رجال، جلد 2، تحقیق آیت الله شبیرزنجانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1407. ایضاً ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص 146، ش 764.
- 6- نجاشی، رجال، ص 299.
- 7- ابن خلکان، احمد بن محمد، وفيات الاعیان، ترجمه احمد بن محمد بن عثمان بن علی بن احمد شجاع سنجری (منظرالانسان)، تصحیح فاطمه مدرسی، ج 2، (ارومیه، دانشگاه ارومیه، 1381)، چاپ اول، ص 374.
- 8- ابن کثیر، به نقل از مامقانی، تنقیح المقال، ج 2، ص 313.
- 9- نجاشی، رجال، ج 29، ص 105.
- 10- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 1 (تهران : دارالکتاب السلامیه، 1384) چاپ، دوم، ص 4.
- 11- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، معالم العلماء، تهران: عباس اقبال، 1349 هـ ش، ص 147.

- 12- سنجرى، احمد بن محمد بن عثمان بن على بن احمد شجاع منظرالانسان، ترجمه وفيات الاعيان ابن خلكان، به كوشش فاطمه مدرسى، ج 1، (اروميه، دانشگاه اروميه 1381، چاپ اول، ص 191.
- 13-نجاشى، الرجال، جلد 2، ص 205.
- 14- شيخ طوسى، محمد بن حسن، الفهرست، شماره 803، ايضاً نجاشى، الرجال و. . . به نقل از: تاسيس الشيعه، ص 326.
- 15-نجاشى، الرجال، به نقل از: اعيان الشيعه، ج 1، ص ايضاً، تاسيس الشيعه، ص 377.
- 16-نجاشى، رجال، ج 2، ص 413 شماره 1195 و 1192.
- 17-طوسى، الفهرست، شماره 803، ايضاً، ابن شهر آشوب، معاصم العلماء، ص 166، شماره 883.
- 18-نجاشى، الرجال، به نقل از: امين، سيد محسن، اعيان الشيعه، ج 1.
- 19-ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص 106.
- 20-ابن النديم، فهرست، ص 262، طوسى، الفهرست، ص 207، شماره 596.
- 21-نجاشى، رجال، ج 2، ص 9-288.
- 22-صدوق، كمال الدين. ..
- 23-صدر، سيدحسن، تأسيس الشيعه، تهران: علمى، 1300 هـ ق، ص 379
- 24-ابن حجر، شهاب الدين ابى الفضل احمد بن على بن حجر العسقلانى، لسان الميزان، ج 5، بيروت: مؤسسه الا علمى للمطبوعات، 1390هـ، 1971 م، الطبعة الثانية، ص 93، شماره 304.
- 25-ابن النديم، ص 266، نجاشى، رجال، ج 2، ص 9-298.
- 26- نجاشى، رجال، ج 2، ص 9298، ايضاً طوسى شماره 25 قديم، ص 5، طوسى، الفهرست، ص 208، شماره 597، ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص 31، شماره 661.
- 27-به نقل از: امين، سيد محسن، اعيان الشيعه، ج 15، ص 93، ايضاً فلاسفه شيعه، ص

- 28- ابن الندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، ترجمه محمد رضا تجدد، (تهران، امیرکبیر، 1366) چاپ سوم، ص 359.
- 29- نجاشی، رجال، شماره 691، ص 266.
- 30- ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص 106.
- 31- نجاشی، الفهرست، به نقل از: امین، سیدمحسن، اعیان الشیعه، ج 46، ص 63.
- 32- سمعانی، ابی سعد عبدالکریم بن محم بن منصور التیمی، تحقیق عبدالله عمر البارودی، ج 5، بیروت، دارالجنان، 1408، الطبعة الاولى، ص 291.
- 33- ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص 149.
- 34- حاج خلیفه، کشف الظنون. عن اسامی الکتب و الفنون، تحقیق سید شهاب الدین النجفی المرعشی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ص 1704.
- 35- همان، ص 1704.
- 36- امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج 1، ص 1704.
- 37- مسعودی، مروج الذهب، مقدمه، ج 1، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، 1382، چاپ هفتم، 1382، ص 9-13، السمعانی، ابی سعد عبدالکریم بن محمد بن منصور التیمی، ص 6.
- 38- تنقیح المقال، ج 1، ص 312.
- 39- ابن الندیم، الفهرست، ص 2-251، حلی، خلاصه الاقوال فی معرفه الرجال، ص 101، شماره 7.
- 40- آدم متز، الحضاره الاسلامیه فی القرن الرابع، ج 1، ص 366.
- 41- امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج 21، ص 343 و 372، الذریعه، ج 11، ص 238.
- 42- شیخ مفید، ابوعبدالله، محمد بن محمد بن نعمان، الفصول المختاره، ج 2، قم: چاپ کنگره شیخ مفید، 1364، چاپ اول، ص 82-99.
- 43- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 1، ص 296.
- 44- مسعودی، مروج الذهب، ج 2، ص 156.

- 45- ابن جوزی، عبدالرحمن، تلبیس ابلیس، ماهره، اداره الطباعه المتريه، 134 هـ ق، ص 39-40.
- 46- ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص 37، شماره 222، ايضاً، الفهرست، الشيخ الطوس، ص 106، شماره 203.
- 47- حلی، خلاصه الافوال فی معرفه الرجال، ص 40.
- 48- امين، سيد محسن، اعيان الشيعه، ج، ص 9.
- 49- نجاشی - الرجال، شماره 1033، ايضاً، بغدادی، خطيب، ج 3، ص 365.
- 50- امين، سيد حسن، تاسيس الشيعه، ج 12، ص 1-50.
- 51- امين، سيد حسن، اعيان الشيعه، ج 12، ص 1-50 ايضاً، قمی، شيخ عباس، الكنى و الالقاب، ج 3، نجف اشرف: الطبقة الحيدريه، 1389 هـ ق، ص 2-391.
- 52- نجاشی، الرجال، ج 1، ص 121-122، شماره 67.
- 53- ابن النديم، الفهرست، ص 251 و 256.
- 54- گرجی، ابوالقاسم، تاريخ فقه و فقها، تهران، سمت، 1377، چاپ دوم، ص 168.
- 55- سياح، احمد، لغت نامه يا فرهنگ بزرگ جامع نوين - ترجمه المنجد عربی) تهران : انتشارات اسلام، 1382 چاپ چهارم.
- 56- فيض، عليرضا، فيض، عليرضا، مبادئ فقه و اصول(تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 1379) چاپ يازدهم، ص 103.
- 57- شيخ طوسي، اختيار معرفه الرجال، مؤسسه آل البيت الاحياء و التراث، قم، 1404 هـ، ج 2، ص 857، نقل از: محرمی، ص 231.
- 58- گرجی، ص 5-124.
- 59- محرمی، ص 231.
- 60- صفائی، سيد احمد، علم كلام، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، 1374) چاپ ششم، ص 7.



- 61- مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، ص 10، به نقل از: معروف الحسنی، هاشم، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید محمد صادق عارف، ترجمه سید محمد صادق عارف، (مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، 1379) چاپ سوم، ص 7 بخش مقدمه مترجم.
- 62- القزوینی، علاء الدین سید امیر محمد، الشیعه الامامیه و نشاه العلوم الاسلامیه، بی جا، انتشارات الشریف الرضی، 1371 ش، الطبعة الاولى، ص 22.
- 63- اتقان سیوطی، 13:2، به نقل از: مدرسی طباطبایی، سید حسین، مکتب در فرایند تکامل، ترجمه هاشم ایزدپناه (تهران: انتشارات کویر، 1386) چاپ سوم، ص 204
- 64- مدرسی طباطبایی، سید حسین، ص 208.
- 65- ویلفرد، مادلونگ، فرقه های اسلامی، ترجمه ابوالقاسم سری (تهران: اساطیر، 1381) چاپ دوم، ص 35.
- 66- مادلونگ، ص 135.
- 67- صفری فروشانی، ص 35.
- 68- دوانی، علی، مفاخرالسلام، ج 3، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1378، چاپ دوم، ص 231.
- 69- ابن ندیم، ص 366.
- 70- دوانی، ج 3، ص 109، کتاب «الفر الکرا» را در کلام نگاشته است، العاملی، السید محسن الامین، ص 468.
- 71- علامه بحرالعلوم، فوائد رجالیه، به نقل از دوانی، علی، مفاخر اسلام، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1378، چاپ دوم، ص 152. ج 3، ص 192.
- 72- ابن شهر آشوب، معالم العلماء: 227. به نقل از: العاملی، السید محسن، الشیعه فی مسارهم التاريخی، بیروت، موسسه دایره معارف الفقه الاسلامی، 1426 ق، الطبعة الثانيه، ص 467.
- 73- ابن الندیم، الفهرست، 239. به نقل از: العاملی، السید محسن الامین، ص 468.

- 74- همان، ص 468.
- 75- حلی، خلاصه الاقوال، ص 273، شماره 5، ایضاً، حلی، خلاصه الاقوال، ص 273، شماره 5.
- 76- ابن شهر آشوب، معالم العلماء، شماره 36، ص 46.
- 77- ابن الندیم، الفهرست، ص 239.
- 78- همان، ص 469.
- 79- نجاشی، رجال، شماره 1024، ص 377، طوسی، الفهرست، ص 240، شماره 712 ایضاً، حلی، خلاصه الاقوال، ص 27، شماره 174.
- 80- همان، ص 470.
- 81- ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص 99، شماره 436.
- 82- ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص 178، شماره 1006.
- 83- ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص 104، شماره 4725.
- 84- ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص 46، شماره 51.
- 85- فیض، علیرضا، مبادی فقه و اصول (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 1379) چاپ یازدهم، ص 30.
- 86- مدیر شانه چی، کاظم، تاریخ حدیث (تهران: سمت، 1385) چاپ چهارم، ص 10.
- 87- النجاشی؛ رجال، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین، قم، 1407 هـ ق، ص 4-9.
- 88- ابن شهر آشوب، معالم العلماء، منشورات مطبعه الحیدریه، نجف، 1380 هـ ق، ص 40، به نقل از: محرمی، ص 226.
- 89- محرمی، ص 226.
- 90- مدیر شانه چی، ص 103.
- 91- گرجی، ابوالقاسم، ص 124.
- 92- گرجی، ص 125.

- 93-نجاشی، رجال، 295/2. به نقل از: عاملی، سید محسن الامین، الشیعه، فی مسارهم التاریخی (قم: موسسه دائره معارف الفقه الاسلامی، 1426) الطبعة الثانی، ص 499.
- 94-نجاشی، رجال، 295/21، به نقل از: عاملی سید محسن امین، ص 499، حلی، خلاصه الاقوال، ص 245، شماره 36.
- 95-تذکره الحفاظ، الذهبی، 1131/3، به نقل از: عاملی، سید محسن امین، ص 499.
- 96-تذکره الحفاظ الذهبی: 1131/3، به نقل از: عاملی، سید محسن امین، ص 499.
- 97-عاملی، سید محسن امین، ص 500.
- 98-همان، ص 501.
- 99-همان، ص 501.
- 100-اخلاقی، ص 86.
- 101-شبلی، احمد، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه محمد حسین ساکت، به نقل از: اخلاقی، ص 160.
- 102-غنیمه، ص 165.
- 103-نجاشی، رجال، ص 372، به نقل از: دوانی، ج 3، ص 74.
- 104-موسوی خوانساری، میرزا محمد باقر، روضات الجنات، ص 575.
- 105-مجلسی، محمدتقی، روضه المتقین، ج 1، ص 87، جعفری، محمد مهدی، سید رضی، ص 44، به نقل از موسوی، سید حسن، ص 167.
- 106-حلی، خلاصه الاقوال، ص 246، شماره 37.
- 107-همان، ص 247، شماره 39.
- 108-اخلاقی، محمدعلی، شکل گیری سازمان روحانیت شیعه، تهران: موسسه شیعه شناسی، 1384، چاپ اول، ص 172.
- 109- ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص 134، شماره 667.
- 110-نجاشی، رجال، ص 378، شماره 1026، ایضاً، دوانی، ج 3، ص 35.
- 111-دوانی، ج 3، ص 54، ایضاً، خلاصه الاقوال، ص 247.

- 112-نجاشی، رجال، ص 380، شماره 1032.
- 113- ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص 134، شماره 667.
- 114- ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص 55، شماره 85.
- 115-دوانی، ج 3، ص 139.
- 116-دوانی، ج 3، ص 174، طوسی، الفهرست، ص 237، شماره 71، ایضاً صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص 15 تا 18.
- 117-دوانی، ج 3، ص 188.
- 118-دوانی، ج 3، ص 242.
- 119-دوانی، ج 3، ص 264.
- 120-قزوینی، شیخ عبدالجلیل، النقص، ص 50 به نقل از: دوانی، ج 3، ص 264.
- 121-ابن اثیر، تاریخ کامل، ترجمه عباس خلیلی، ج 9، ص 8.
- 122-مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، احسن التقاسیم، من معرضه الاقالیم، ترجمه دکتر علینقی منزوی، تهران، انتشارات کومش، 1385، چاپ دوم، ص 669.
- 123-خوانساری، میرزا محمد باقر موسوی، رضات الجنات، ص 575.
- 124-بغدادی، خطیب، تاریخ بغداد، ج 11، ص 403.
- 125- موسوی، سید حسن، زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد، قم، موسسه بوستان کتاب قم، 1381) چاپ اول، ص 172.
- 126-نعمه، شیخ عبدالله، فلاسفه شیعه، ترجمه سید جعفر غضبان، ص 9-338، به نقل از : موسوی، سید حسن، ص 173.
- 127-دوانی، ج 3، ص 51.
- 128-نجاشی، رجال، ص 94، به نقل از: دوانی، ج 3، ص 57.
- 129-ابن شهر آشوب، معالم العلماء، چاپ نجف اشرف، ص 16، به نقل از: دوانی، ج 3، ص 57.
- 130-قمی، شیخ عباس، فوائدالرضویه، ج 1، ص 109 به نقل از : دوانی، ج 3، ص 86.

- 131-دوانی، ج 3، ص 98.
- 132-طوسی، الفهرست، ص 156، به نقل از: دوانی، ج 3، ص 105.
- 133-طوسی، الفهرست، ص 54، به نقل از: دوانی، ج 3، ص 108، نجاشی، رجال، ص 48 شماره 100.
- 134- دوانی، ج 3، ص 123.
- 135-طوسی، الرجال، ص 458، به نقل از: دوانی، ج 3، ص 131.
- 136-دوانی، ج 3، ص 148.
- 137-قمی، شیخ عباسی، فوائد الرضویه، ج 1، ص 143، به نقل از: دوانی، ج 3، ص 187.
- 138-دوانی، ج 3، ص 203.
- 139-نجاشی، رجال، ص 439، به نقل از: دوانی، ج 3، ص 212، حلی، خلاصه الاقوال، ص 29، شماره 1.
- 140-نجاشی، رجال، ص 69، به نقل از : دوانی، ج 3، ص 223، ایضاً حلی، خلاصه الاقوال، ص 116، شماره 11.
- 140-حموی، یاقوت، معجم الادبا، ج 2، ص 202، به نقل از : دوانی، ج 3، ص 224.
- 142-نجاشی، رجال، ص 402، ایضاً طوسی، الفهرست، ص 158، معجم رجال حدیث، ج 17، ص 232، به نقل از : دوانی، ج 3، ص 245.
- 143-میزان الاعتدال، ج 4، ص 26 و 30، به نقل از دوانی، ج 3، ص 243.
- 144-ابن خلکان، وفيات الاعیان، ج 3، ص 3، به نقل از : دوانی، ج 3، ص 262.
- 145-شوشتری، نورالله، مجالس المومنین، ج 1، ص 502، به نقل از : دوانی، ج 3، ص 263، ایضاً ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص 106، شماره 447.
- 146-دوانی، ج 3، ص 265، ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص 86، شماره 336.
- 147-دوانی، ج 3، ص 284، ایضاً حلی، خلاصه الاقوال، ص 270، شماره 17.
- 148-دوانی، ج 3، ص 148.

- 149- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، (تهران، المکتبه المرتضویه)، ص 365، به نقل از: فروشانی، ص 126.
- 150- صفری فروشانی، ص 126.
- 151- مشکور، محمد جواد، تاریخ شیعه و فرقه های اسلامی تا قرن چهارم هجری (تهران، اشراقی، 1362ش) چاپ سوم، ص 151.
- 152- محرمی، غلامحسین، تاریخ تشیع از آغاز تا پایان عصر غیبت (تهران، مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله علیه، 1384، چاپ سوم، ص 216)
- 153- شیخ صدوق، محمد بن بابویه قمی، رساله اعتقادات، ترجمه سید محمد عاسی قلعه کهنه، (مشهد مقدس، انتشارات آستان قدس رضوی)، ص 101.
- 154- صفری فروشانی، نعمت الله، غالیان- کاوشی در جریانها و برآیندها (مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، آستان قدس رضوی، 1378، چاپ اول، ص 361.
- 155- رجال النجاشی، رجال ص 178، 177 به نقل از: صفری فروشانی، ص 171.
- 156- دوانی، علی، مفاخر اسلام، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1378، چاپ دوم، ص 217.
- 157- ابن بابویه علی بن حسین، الامامه و البصیره من الحیره، ص 132.
- 158- طوسی، محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص 137، به نقل از: شیرخانی علی، تشیع و روند گسترش آن در ایران، قم، دفتر نشر معارف، 1382، چاپ اول، ص 80.
- 159- قمی، فواید رضویه، ص 562، به نقل از شیرخانی، ص 85.
- 160- قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج 2، ص 3-4، به نقل از: شیرخانی، ص 86.
- 161- ابن کثیر الدمشقی، ابی الفداء اسماعیل، البدایه و النهایه، مصحح علی شیری، ج 12، بی جا، دارالحیاء، التراث، العربی، 1408، طبعه الاولی، ص 19.
- 162- همان، ص 19.